

نهج البلاغه از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

نویسنده: محمد مهدی علیقلی

مقدمه

فصل اول: آشنایی با نهج البلاغه

فصل دوم: تاریخچه‌ی نهج البلاغه- پیامها و خطابه، ص ۱۱۳. فصل سوم: تصویر شخصیت علی علیه‌السلام در نهج البلاغه- بیانات

مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. فصل چهارم: فیض الاسلام اولین مترجم نهج البلاغه

فصل پنجم: قرآن و نهج البلاغه

فصل ششم: نقش نهج البلاغه در جامعه‌ی اسلامی

فصل هفتم: نقش نهج البلاغه در جهان اسلام

فصل هشتم: نقش وزارت آموزش و پرورش در احیاء نهج البلاغه- بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴.

فصل نهم: درمان دردها در نهج البلاغه

فصل دهم: حکومت در نهج البلاغه

فصل یازدهم: وحدت در نهج البلاغه

فصل دوازدهم: تقوا در نهج البلاغه

فصل سیزدهم: تاریخ در نهج البلاغه

فصل چهاردهم: کارهایی که درباره‌ی نهج البلاغه باید انجام شود

پایان سخن

بسم الله الرحمن الرحيم

ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و

دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است.

وصیت نامه سیاسی، الهی، امام خمینی رحمه الله.

پیام رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس سره به مناسبت برگزاری کنگره هزاره نهج البلاغه اردیبهشت ۱۳۶۰

تهران.

در کنگره‌ی هزاره نهج البلاغه از چه صحبت خواهد شد و از کی معرفی؟ دانشمندان بزرگ جهانی می‌خواهند مولا امیرالمؤمنین را معرفی کنند و به دیگران بشناسانند با کتاب نهج البلاغه را؟ ما با کدام مؤنه و با چه سرمایه‌ای می‌خواهیم در این وادی وارد شویم؟

ما درباره‌ی شخصیت علی بن ابی طالب از حقیقت ناشناخته‌ی او صحبت کنیم یا با شناخت محجوب و مهجور خود. اصلا علی علیه‌السلام یک بشر ملکی و دنیوی است که ملکبان از او سخن گویند یا یک موجود ملکوتی است که ملکوتیان او را اندازه‌گیری کنند؟ اهل عرفان درباره‌ی او جز با سطح عرفانی خود و فلاسفه و الهیون جز با علوم محدوده‌ی خود با چه ابزاری می‌خواهند به معرفی او بنشینند تا چه حد او را شناخته‌اند تا ما مهجوران را آگاه کنند. دانشمندان و اهل فضیلت و عارفان و اهل فلسفه با همه‌ی فضائل و با همه‌ی دانش از ارجمندشان آنچه از آن جلوه‌ی تام حق دریافت کرده‌اند در حجاب وجود خود و در آئینه‌ی محدود

نفسانیت خویش است و مولا غیر از آن است. پس اولی آن است که از این وادی بگذریم و بگوئیم علی بن ابی طالب فقط بنده خدا بود و این بزرگترین شاخصه‌ی او است که می‌توان از آن یاد کرد و پرورش یافته و تربیت شده‌ی پیامبر عظیم الشان است و این از بزرگترین افتخارات اوست. کدام شخصیت می‌تواند ادعا کند که عبدالله است و از همه عبودیت‌ها بریده است جز انبیاء عظام و اولیاء معظم که علی علیه‌السلام آن عبد وارسته از غیر و پیوسته به دوست که حجب نور و ظلمت را دیده و به معدن عظمت رسیده است در صف مقدم است و کدام شخصیت است که می‌تواند ادعا کند از خردسالی تا آخر عمر رسول اکرم در دامن و پناه و تحت تربیت وحی و حامل آن بوده است. جز علی بن ابی طالب که وحی و تربیت صاحب وحی در اعماق روح و جان او ریشه دوانده پس او به حق عبدالله است و پرورش یافته عبدالله اعظم است. و اما کتاب نهج البلاغه که نازله‌ی روح اوست برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر منیت و در حجاب خود و خودخواهی خود معجون‌یست برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و

مجموعه‌ای است دارای ابعاد به اندازه‌ی ابعاد یک انسان و یک جامعه بزرگ انسانی از زمان صدور آن تا هرچه تاریخ به پیش رود و هر چه جامعه‌ها بوجود آید و دولتها و ملتها متحقق شوند و هر قدر متفکران و فیلسوفان و محققان بیایند و در آن غور کنند و غرق شوند. هان فیلسوفان و حکمت اندوزان بیایند و در جملات خطبه اول این کتاب الهی به تحقیق بنشینند و افکار بلند پایه خود را به کار گیرند و با کمک اصحاب معرفت و ارباب عرفان، این یک جمله‌ی کوتاه را به تفسیر پردازند و بخواهند به حق وجدان خود برای درک واقعی آن ارضاء کنند به شرط آن که بیاناتی که در این میدان تاخت و تاز شده است آنان را فریب ندهد و وجدان خود را برای فهم درست بازی ندهند و نگویند و بگذرند تا میدان دید فرزند وحی را دریافته و به قصور خود و دیگران اعتراف کنند و این است آن جمله:

و این جمله و نظیر آن که در کلمات اهل بیت وحی آمده است بیان و تفسیر کلام الله است که در سوره‌ی حدید است و برای متفکران آخرالزمان آمده است و هو معکم این ما کنتم اینک امید آن است که شما دانشمندان و متفکران متعهد که در کنگره ارجمند هزاره نهج البلاغه گرد هم آمدید ابعاد عرفانی و فلسفی و اخلاقی و تربیتی و اجتماعی و نظامی و فرهنگی و دیگر بعدها را به مقدار میسور بیان فرمایید و این کتاب را به جوامع بشری معرفی نموده و عرضه دارید که این متاعی است که مشتری آن انسانها و مغزهای نورانی است. صلوات و سلام بی پایان به رسول اعظم که چنین موجود الهی را در پناه خود تربیت فرموده و به کمال لایق انسانیت رساند.

و سلام و درود بر مولایمان که نمونه‌ی انسان و قرآن ناطق است و تا ابد نام بزرگ او باقی است و خود الگوی انسانیت و مظهر اسم اعظم است. و سلام بر شما دانشمندان که با زحمت پر ارج و سودمند خود راه رسیدن به اهداف عالی این کتاب مقدس را باز می‌نمائید.

والسلام علی عبادالله الصالحین ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۰ ۱۲ رجب ۱۴۰۱ روح الله الموسوی الخمینی

امروز شرایطی مشابه شرایط حکومت دوران امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. پس روزگار، روزگار نهج البلاغه است. امروز می‌شود از دیدگاه دقیق و نافذ امیرالمؤمنین علیه‌السلام به واقعتهای جهان و جامعه نگاه کرد و بسیاری از حقایق را دید و شناخت و علاج دردها را پیدا کرد. همین است که به نظر ما امروز بیش از همیشه به نهج البلاغه محتاج‌تریم.

((حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای))

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز روز استفاده هر چه بیشتر از نهج البلاغه است. (حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای)

مقدمه

توجه مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای به نهج البلاغه نشان از عمق دیدگاه ایشان به این کتاب ارزشمند دارد. آنچه در این کتاب از سخنرانیها، پیامها، مواعظ و ارشادات آن مقام عظام برگرفته شده، حاصل تحقیق و تفحص فراوان ایشان است که می‌تواند راهگشای پژوهشگران، طلاب و دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان به این کتاب شریف باشد.

آشنایی با نهج البلاغه، تاریخچه‌ی نهج البلاغه، نقش نهج البلاغه در جامعه‌ی اسلامی، جهان اسلام و نهج البلاغه، نقش وزارت آموزش و پرورش در احیاء نهج البلاغه و... عناوین موضوعاتی هستند که در این مجموعه تقدیم حضورتان می‌شود. تلاش شده است موضوعات، به گونه‌ای انتخاب شود که در هماهنگی و یکپارچگی آن کاستی نگردد، اما شاید مطالب این مجموعه به خاطر تنوع، ترتیب و توالی بک رساله تحقیقی و منسجم را نداشته باشد، از این رو پیشنهاد می‌شود در موارد نیاز به اصل سخنرانیها و ارشادات مراجعه شود.

همچنین با اینکه کوشیده‌ایم از تکرار مطالب پرهیز نمائیم، باز هم در مواردی برای تأکید بر موضوع به ناچار برخی مسایل را تکرار کرده‌ایم.

امید است که مربیان، مبلغان و دست اندرکاران معارف اسلامی با الهام از رهنمودهای ولی امر مسلمین جهان حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای جهت احیاء هر چه بیشتر نهج البلاغه در جامعه‌ی اسلامی نهایت تلاش و سعی خویش را مبذول فرمایند. انشاء الله. محمد مهدی علیقلی

فصل اول: آشنایی با نهج البلاغه

قبلاً آگاهیهای مختصری در مورد نهج البلاغه بایستی به خواهران و برادران عرض کنم. نهج البلاغه - همان طور که می‌دانید - مجموعه‌ی خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات متفرقی است که از مولای متقیان امیرمؤمنان صلوات الله علیه برای ما به یادگار مانده است، کتاب شریف نهج البلاغه به سه بخش تقسیم می‌شود: خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار. - نهج البلاغه شامل ۲۴۱ خطبه، ۷۹ نامه و ۴۸۰ کلمات قصار می‌باشد. - درسهایی از نهج البلاغه، ص ۳. ?

خطبه‌ها یعنی سخنرانیها، نه خطبه‌های نماز جمعه؛ شاید بعضی از اینها مضمون خطب نماز جمعه هم باشد، اما امیرالمؤمنین در موضع یک معلم و یک اسلام شناس و نیز در موضع یک حاکم با مردم خود حرف می‌زد و سخنرانی می‌کرد و این سخنان مجموعه‌ی آن سخنرانیهاست.

ناگزیر این سخنان، ضمن این که خطوط کلی اندیشه‌ی اسلامی را در خود منعکس می‌کند، ناظر به مسایل روز، یعنی مسایل جاری و مشکلات زندگی امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز است. - درسهایی از نهج البلاغه ص ۸. ?

نهج البلاغه مانند گفته‌های حکیمی نیست که دور از غوغای زندگی و فارغ از واقعیتها و مسایل گوناگونی که در یک جامعه ممکن است مطرح باشد، می‌نشیند و معارف اسلامی را بیان می‌کند؛ بلکه سخنان انسانی است که بار مسؤولیت اداره‌ی یک جامعه‌ی عظیم را بر دوش خود احساس می‌کند و دانای دین و بصیر به همه‌ی معارف اسلامی و قرآنی است و با دلی مالمال از معرفت و روحی

بزرگ و در مقامی پر مسؤولیت، با مردم رو به رو می‌شود، با آنها حرف می‌زند، و به سؤالات و استفسارات آنها پاسخ می‌دهد. این

است زمینه و موقعیت صدور نهج البلاغه. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳.؟

باید پرتویی بر نهج البلاغه بیفتد که شما شیعیان و پیروان و طرفداران علی علیه‌السلام بدانید که نهج البلاغه چیست. و دل خود را فقط به نام قرآن و نهج البلاغه خوش نکنید. چنین نباشد که بعضی از غفلت و جهالت ما استفاده کنند و به نام قرآن و نهج البلاغه، بافته‌ها و اندوخته‌های ذهنی خود را در مغز ما بریزند و آن طور نباشد که عناصر تحت تأثیر فرهنگ غربی، به جای آن که به این اثر انسانی و اجتماعی و تاریخی و هنری توجه کنند؛ به نوشته‌ها و گفته‌ها و اندوخته‌های ذهنی دیگران بپردازند.

اگر ما اندکی با نهج البلاغه آشنا شویم و راه خود را به سوی این کتاب باز کنیم، راه سواستفاده‌ی دشمنهای کوچک و خرد و ریزی که در داخل هستند و نیز راه استفاده دشمنهای بزرگ جنایتکاری که همیشه از غفلت و از دوری ما از اسلام استفاده کرده‌اند؛ بسته خواهد شد. -گفتاری درباره حکومت علوی، ص ۴، (بیانات مقام معظم رهبری در مسجد دارالسلام تهران، ۱۳۵۹/۵/۵).؟

ائمه‌ی اطهار علیهم السلام در دوران حاکمیتی که مورد قبول خودشان باشد زندگی نمی‌کردند؛ آنها در دوران اختناق به سر می‌بردند مسایل از دیدگاه یک حاکم و مسؤول اداره‌ی مملکت بر زبان آنها جاری نمی‌شد؛ اما امیرالمؤمنین علیه‌السلام به عنوان یک حاکم اسلامی حرف می‌زند و با جامعه‌ی بی که تحت اشراف و حکومت خود اوست، سخن می‌گوید و این بخش بیشترین سخنانی است که از امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه نقل شده است. البته در کلمات آن حضرت سخنانی هم وجود دارد که مربوط به دوران حکومت ایشان نیست.

ما امروز در همان شرایط قرار داریم، شرایط کنونی جامعه‌ی اسلامی ما همان شرایط است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳.؟

نهج البلاغه کلام اولین مؤمن به وحی محمدی، و کلام خلیفه‌ی پیغمبر صلی الله علیه و آله است؛ خلیفه‌ی بی که همه‌ی مسلمانها بر او اتفاق نظر دارند و امامی که به اعتقاد شیعه و بسیاری از اهل سنت افضل صحابه است. یعنی انسانی در این حد عظمت و اهمیت، سخنرانی‌ها و خطبه‌هایش عینا باقی مانده است و این می‌تواند نشان دهنده‌ی متنی عظیم و اصیل از معارف اسلامی باشد ما می‌توانیم پایه‌های اعتقاد کامل و جامع به اسلام را در این کتاب - که اخلاق و زهد و عرفان و رهبری و نظام سیاسی و اجتماعی در آن وجوه دارد - پیدا کنیم. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۴.؟

نهج البلاغه یعنی مجموعه‌ی بی که به همت و تلاش سید بزرگوار شریف رضی گرد آمده و بحمدالله تا امروز مرجع مراجعه و مطالعه‌ی خواص و -گردآورنده نهج البلاغه، علامه سید رضی، دانشمند بزرگ قرن چهارم هجری است که در سال (۳۵۹ ه.ق) در بغداد متولد شد. پدر و مادر او هر دو از نسل مبارک حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بودند. علامه سید رضی برای گردآوری نهج البلاغه، بیست سال تلاش کرد و سرانجام پس از بررسی صدها کتاب و جمع آوری آثار پراکنده نویسندگان گذشته، توانست در سال ۴۰۰

هجری نهج البلاغه را به جهان علم و اندیشه، معرفی کند. سید رضی سرانجام، پس از یک زندگی کوتاه، اما پر بار، در روز یکشنبه ششم محرم سال (۴۰۶ ه.ق) در سن ۴۷ سالگی در بغداد از دنیا رفت و بدن شریفش در کاظمین کنار قبر امام کاظم علیه السلام به عنوان امانت دفن گردید و پس از مدتی (طبق وصیت) پیکر پاک او و همچنین برادرش سید مرتضی را به کربلا انتقال داده و در آنجا به خاک سپردند. ؟ اندیشمندان - نه فقط محور معرفت و کار عمومی مردم - بوده است. شاید در تمام دورانی که این کتاب تألیف شده و به وجود آمده، مانند امروز مورد نیاز و متناسب با اوضاع زمان و مکان نبوده است. البته نهج البلاغه از جهات مختلف حایز اهمیت است.

شاید بشود گفت که نهج البلاغه مجموعه‌یی از عمده‌ترین مباحث و معارف اسلامی است و همه‌ی آنچه که برای یک انسان مسلمان و یک جامعه‌ی اسلامی لازم است، سخنی و حرفی و اشاره‌یی و یا بحثی و هدایتی از آن در نهج البلاغه آمده است: توحید و عقاید اسلامی و اصول دین تا اخلاق و تهذیب و تزکیه نفسانی؛ سیاست ملک داری و کیفیت اداره‌ی صحنه‌های عظیم فعالیت اجتماعی تا تنظیم روابط اخلاقی و خانوادگی، جنگ و سیاست و حکمت و علم و... -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ؟

بنده تصور می‌کنم مرحوم سید رضی رضوان الله تعالی علیه این کتاب را از دیدگاه فصاحت و بلاغت و زیباییهای هنری بیشتر مورد توجه قرار داده است؛ اسم کتاب هم همین نکته را تأیید می‌کند: ((نهج البلاغه *)) - نهج البلاغه یعنی ((راه و روش شیوایی گفتار و رسایی کلام)). ؟ - بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ؟

خوشبختانه امروز شاید چند برابر خطابه‌های نهج البلاغه در اختیار ماست؛ منتها نهج البلاغه‌یی که نوشته و تدوین شده‌ی مرحوم سید رضی می‌باشد در دسترس است که بخش برگزیده‌ی این کلمات است:

باب المختار من خطب امیرالمؤمنین.

حال سید رضی این برگزیده‌ها را از چه دیدی نگاه کرده است؟ آیا از دید اجتماعی و یا فلسفی نگریسته است؟ متأسفانه باید بگوییم: خیر. بیشترین نقطه نظر و تکیه سید رضی بر زیباییهای هنری است؛ لذا می‌گوید: ((نهج البلاغه)): راه شیواگرایی. بلاغت یعنی گفتار شیوا؛ در حالی که امیرالمؤمنین همه‌ی مسایل اسلامی را در این خطبه‌ها بحث کرده‌اند - بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ؟

نهج البلاغه یک اثر فوق العاده هنری است و از لحاظ زیبایی کلمات و شیوایی معتبر است و ما هیچ گوینده‌ی فارسی و هیچ نویسنده و هنرمند و شاعری را در زمان خود و در هیچ زمانی سراغ نداریم که بتواند با زبان شیوای علی علیه السلام حرف بزند؛ اما در عین حال می‌شود جملاتی را انتخاب کرد که اجمالاً معانی را بفهماند. هر چه ما پیش رویم و هر چه با متن نهج البلاغه آشنا تر شویم؛ ظرافتها و زیباییهایش را بیشتر حس می‌کنیم. - درسهایی از نهج البلاغه، ص ۱۴. ؟

البته نه این که سید رضی فقط از جنبه‌ی شیوایی لفظ این کتاب را جمع‌آوری کرده و به مضامینش اعتنایی یا توجهی نداشته است؛ قطعاً داشته، منتها سید رضی - آن مرد شاعر فصیح زبان آور که یکی از بزرگترین شعرای عرب در زمان خودش است - با یک دید شاعرانه و سخن‌شناسانه با نهج البلاغه برخورد کرده است. او گشته تا کلمات زیبا را پیدا کند البته کلمات علی بن ابی طالب علیه‌السلام زیباست و در حد عالی فصاحتش هم دارای مضامین عالی است - آن هم که از لحاظ فصاحت و بلاغت در آن حد بالا نباشد، دارای مضامین عالی است - اما سید رضی بیشتر به این جهت توجه داشته است - درسهایی از نهج البلاغه، ص ۱۴. ?

-سؤال: شما گفتید که نهج البلاغه بیشتر به خاطر جنبه‌ی هنری آن جمع‌آوری شد، آیا این امکان وجود ندارد که جمع‌آورنده‌ی آن به خاطر زیباتر کردن خطبه‌ها در آن دست برده باشد؟

جواب: خیر به هیچ وجه، زیرا جمع‌کننده‌ی آن خودش را در مقابل این کلمات و زیبایی و هنر جملات حقیر می‌دانست. این مثل آن می‌ماند که شما بگویید مثلاً فلان کسی که دیوان حافظ را جمع کرده است - مثل دکتر غنی، علامه‌ی قزوینی و عبدالرحیم خلخالی - از کجا معلوم که در شعر حافظ دست نبرده باشد برای این که زیباترش کند؟ شعر حافظ از سطح اندازه‌ی معمولی که ((غنی)) و ((خلخالی)) می‌توانند بگویند و بشنوند بالاتر است. زیبایی آن به حدی است که یک انسان شاعر هنرمندی مثل سید رضی وقتی به این جرثومه‌ی هنر - نهج البلاغه - نگاه می‌کند، احساس حقارت می‌کند. اولاً اگر او بتواند از کلمات علی علیه‌السلام چیزی را اقتباس می‌کند و در کلام خودش می‌گنجاند که کلام خودش زیبا شود، نه این که از خودش به کلام علی علیه‌السلام چیزی بیفزاید. ثانیاً سید رضی مردی کاملاً امین است و امکان ندارد که ما چنین فرضی را در مورد او بکنیم - درسهایی از نهج البلاغه، ص ۲۵. ?

البته قبل از آن که سید رضی به این کار دست بزنند، خطبه‌ها و کلمات و نوشته‌های آن حضرت در کتابهای حدیث و تاریخ به صورت پراکنده یافت می‌شد، ولی به صورت تدوین شده و جمع‌آوری شده نبودند و کسانی هم قبل از سید رضی این کار را به یک نحوی شروع کردند، منتها نه به - دانشمند محقق، عبدالزهراء حسینی، در کتاب مصادر نهج البلاغه ۴۶ کتاب دیگر را نام می‌برد که برای تهیه و تدوین و جمع‌آوری سخنان امام علی بن ابیطالب نوشته شدند که ۲۲ کتاب، مربوط به قبل از پیدایش نهج البلاغه می‌باشند. مجموعه‌ی آشنائی با نهج البلاغه، ج ۲، ص ۶۸. ? صورتی که سید رضی انجام داد بنابراین ما مرهون زحمت و ابتکار این عالم بزرگوار هستیم که نهج البلاغه را برای ما باقی گذاشت. - درسهایی از نهج البلاغه، ص ۳. ?

حضرت عبدالعظیم حسنی رضوان الله علیه از جنبه‌ی علمی، یک - حضرت عبدالعظیم حسنی معروف به سید الکریم، فرزند عبدالله، فرزند علی بن حسن، فرزند حسن بن زید، فرزند زید بن حسن علیه‌السلام فرزند علی بن ابیطالب علیه‌السلام است و با پنج واسطه به امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌رسد ولادت آن حضرت به سال ۱۷۳ هجری در مدینه واقع شد، ۷۹ سال عمر کرده و در ۱۵ شوال ۲۵۲ هجری، در ((شهر ری)) وفات یافت. ? محدث و مؤلف بزرگ است. تا آن جا که برای ما روشن و محرز است، ایشان اول کسی است که خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام را گردآوری کرده است که مربوط به ۱۵۰ سال قبل از تألیف نهج البلاغه توسط سید رضی

می‌باشد -بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم شهر ری / روزنامه جمهوری اسلامی. فوق العاده شهرستان ری، آذر ماه ۱۳۷۳. ؟

نکته‌ی دیگری که باید به آن توجه داشت این است که علاوه بر خطب و نامه‌ها و کلماتی که در نهج البلاغه آمده است، تعداد زیادی خطبه و نامه و جمله‌ی حکمت‌آمیز از امیرالمؤمنین به صورت متفرق در کتابهایی وجود دارد که علمای متأخر سعی کردند آنها را هم جمع‌آوری کنند و کتابهایی به عنوان مستدرک نهج البلاغه - یعنی تدوین شده چیزهایی که در نهج البلاغه نیست - فراهم بیاورند. پس ما امروز غیر از نهج البلاغه که خود گنجینه‌ی غنی و ارزشمندی است، چند کتاب دیگر هم داریم که اینها را بعدا با خصوصیات و نام و نشان معرفی می‌کنیم و چون بعضی از آنها به چاپ هم رسیده است، بعدا برای شما می‌آوریم تا کلا یک آشنایی کتاب‌شناسی با-جهت کتاب‌شناسی نهج البلاغه به کتابنامه نهج البلاغه، اثر استاد محترم رضا استادی که ۳۷۰ کتاب پیرامون نهج البلاغه معرفی نموده‌اند، مراجعه نمائید.

؟ نهج البلاغه و دنباله‌های آن پیدا کنید. -درسهایی از نهج البلاغه، ص ۳. ؟ -برخی از محققین با بررسی و تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغه متوجه شده‌اند که: الف: سید رضی همه‌ی سخنان امام علیه‌السلام را نیاورده است. ب: گاهی در نقل یک خطبه یا نامه یا کلمه حکمت‌آمیز اعمال سلیقه نموده و تنها برخی از قسمت‌های یک خطبه را که از نظر فن بلاغت جذاب و زیبا بود نوشته و بقیه‌ی آن را نیاورده است، (تقطیع کرده است) از این رو تلاش گسترده ارزشمند دیگری را آغاز نمودند و به جمع‌آوری دیگر سخنان امام علیه‌السلام پرداختند و خطبه‌ها و نامه‌ها را همانگونه که در منابع اولیه آمده بود نوشتند. مانند: مستدرک نهج البلاغه نوشته‌ی هادی کاشف الغطاء. نهج السعاده ۸ جلدی نوشته‌ی محمد باقر محمودی. کتاب التذییل نوشته اسمعیل حلبی. ملحق نهج البلاغه نوشته احمد بن یحیی (ابن ناقه) نهج التقویم نوشته‌ی خلف بن سید عبدالمطلب مشعشی. مصباح البلاغه نوشته سید حسن میرجهانی طباطبائی. غررالحکم نوشته آمدی. الحکم المنشوره جلد آخر ابی الحدید نوشته ابن ابی الحدید. مجموعه آشنائی با نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۷۲. ؟

مطلب دیگری که باید درباره‌ی نهج البلاغه بدانید این است که از سالها پیش کسانی ادعا کردند که نهج البلاغه کتاب معتبری نیست - حالا انگیزه‌ی آنها چه بود، قابل بحث است - مضامینی که در این کتاب وجود دارد منافع گروهی یا قشری یا طبقه‌یی و یا اصحاب فرقه‌یی را تهدید می‌کند و برای این دستجات بهترین راه این است که آن کتابی را که شامل بر این مطلب است از اعتبار بیندازند؛ همچنان که در مورد یک شخصیت هم همین طور است. آن کسانی که شخصیت امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام را مخالف با منافع شخصی یا گروهی خودشان می‌دانستند، طبیعی بود که آن شخصیت را مورد خدشه قرار بدهند. در مورد کتاب آن حضرت هم عینا همین مطلب صادق است. -درسهایی از نهج البلاغه، ص ۴. ؟

نهج البلاغه واقعا يك اقيانوس عميق و تمام شدنی است. همه هم توفيق پيدا نمی کنند این کتاب را آنچنان که شایسته است، سیر و در آن غور کنند؛ در حالی که بسیاری از مطالب و معارف این کتاب برای مردم لازم است.

فصل دوم: تاریخچه‌ی نهج البلاغه-پیامها و خطابه، ص ۱۱۳. ؟

از تاریخ تدوین کتاب نهج البلاغه حدودا هزار سال می گذرد، یعنی مرحوم سید رضی که این کتاب را تدوین کردند و این خطبه‌ها و نامه‌ها را جمع‌آوری کردند، در حدود سال ۴۰۰ هجری و اواخر قرن سوم به این کار دست زدند بنابراین نهج البلاغه کتابی هزار ساله است. -درسهایی از نهج البلاغه، ص ۳. ؟

بخشی از نهج البلاغه مجموعه‌ی سخنرانی‌های امیر مؤمنان است. چه قدر این خطابه‌ها پر مغز است که از زمان تدوین این کتاب تا امروز صدها کتاب درباره‌ی این سخنرانی‌ها و شرح و بیان مسایل آنها نوشته شده است. شما ملاحظه کنید که این سخنرانیهای سطح بالا که علمای بزرگ و متفکران نیرومند - از شیعه و سنی - در حاشیه و شرح آن سخنوری کرده‌اند، در کجا ادا می شد؟ در مسجد کوفه، چه زمانی؟ میان سالهای سی و پنج و چهل هجری (هزار و سیصد و شصت سال قبل). سطح فرهنگ و اندیشه‌ی مردمی که در جامعه‌ی اسلامی آن روز زندگی می کردند، آن چنان بالا بود که وقتی علی بن ابی طالب علیه‌السلام این سخنان عمیق و پر مغز را در منبر ادا می کرد، زن و مرد و کوچک و بزرگ سخن او را می فهمیدند....

پس همان طور که می بینید سطح فرهنگ جامعه‌ی علوی بالاست و در آن حدی است که نهج البلاغه را می فهمد. -گفتاری درباره حکومت علوی، ص ۴. ؟

ما امروز بعد از گذشت هزار سال از تدوین نهج البلاغه، بیشتر قدر این کتاب را می دانیم تا یک عالم بزرگ در قرن چهارم هجری. ما در قرن چهاردهم هجری هستیم؛ یعنی بشریت به طور طبیعی رو به سختی پیش رفته و سخن و پیام علی علیه‌السلام و آهنگ اسلام از حنجره‌ی او برایش مغتنم تر است تا قرنهای پیش. -درسهایی از نهج البلاغه، ص ۱۵. ؟

اولا این کتاب یک کتاب دست اول اسلامی است و در این شرایط تاریخی که با صدر اسلام تقریبا ۱۴۰۰ سال فاصله داریم، منابع دست اول و اصیل اهمیت ویژه‌ی دارد. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴. ؟

اگر ما بتوانیم متون صدر اسلام را احیا کنیم، کمک زیادی به ایجاد یک محور اصلی برای این اجتهادها کرده‌ایم. نهج البلاغه را از این دیدگاه نگاه کنیم. نهج البلاغه با این دیدگاه هرگز با کتاب حدیث فلان صحابی یا تابعی که پنجاه سال، شصت سال صد سال و یا صد و چهل سال بعد از هجرت بوده قابل مقایسه نیست. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴. ؟

بسیاری از کارهای لازم در طول بیش از هزار سالی که از تدوین این کتاب شریف می‌گذرد انجام گرفته است. شاید در کتابخانه‌ها نسخ خطی این آثار ارزشمند محفوظ باشد که باید جستجو و پیدا کرد. احتمال هم دارد که بعضی از آنها در طول زمان، در معرض حوادث قرار گرفته و از بین رفته باشد در حال این کارها باید انجام بگیرد. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳.؟

محققان، نهج البلاغه را برای این زمان بسیار قدر بدانند. حقیقت این است که اگر ما امروز ((هزاره‌ی نهج البلاغه)) را می‌گیریم، باید بدانیم که این کتاب عزیز اقلان نهصد و پنجاه سال از هزار سال را در انزوا و سکوت بوده است و جز دانشوران و خواص، کسی از نهج البلاغه جز نامی نمی‌دانست.

فصل سوم: تصویر شخصیت علی علیه‌السلام در نهج البلاغه -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰.؟

یک بعد دیگر از ابعاد ارزش و اهمیت نهج البلاغه ترسیم شخصیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است؛ چیزی که ما امروز به آن کمال احتیاج را داریم.

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام این چهره‌ی ناشناخته، این انسان والا، این نمونه‌ی کامل مسلمانی که اسلام می‌خواهد انسانها آنچنان ساخته بشوند؛ در لابلای اوراق و سطور نهج البلاغه کاملاً شناسایی و تعریف می‌شود.

نهج البلاغه در حقیقت کتاب معرفی علی بن ابی طالب علیه‌السلام است. چگونه ممکن است کسی به افقهای اسرارآمیز و شگفت آور، و وادیهای گوناگون معرفتی - که در نهج البلاغه است - دست نیافته باشد و بتواند آنها را این گونه زیبا و جذاب ترسیم و توصیف کند.

در نهج البلاغه همه‌ی ابعاد یک شخصیت والای انسانی وجود دارد و یک انسان کامل در نهج البلاغه مجسم می‌شود و آن انسان کامل، خود امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. و این نه فقط از باب شناسایی چهره‌ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام مهم است؛ بلکه از باب شناسایی اسلام و این که اسلام چگونه انسانی را می‌خواهد بسازد، حایز اهمیت است.

امروز بشریت معاصر از ما سؤال می‌کند: ((این اسلامی که شما از آن دم می‌زنید و فکر می‌کنید رسالت آن جهانی است، در صدد ساختن چگونه انسانی است؟)) برای پاسخ چه کسی را بهتر و زیباتر و جامعتر و والاتر از علی بن ابی طالب علیه‌السلام می‌توان نشان داد؟ چهره‌ی علی بن ابیطالب علیه‌السلام در هیچ جا مانند نهج البلاغه آشکار نمی‌شود. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳.؟

در حقیقت نهج البلاغه شخصیت خطی و رسمی امیرالمؤمنین است؛ یعنی علی علیه‌السلام خود نهج البلاغه‌ی مجسم است و این یکی دیگر از خصوصیات امیر مؤمنان است. به آنچه که می‌گوید عمل می‌کند و آنچه را که می‌خواهد در زندگی خود پیاده می‌کند. شخصیت امیرالمؤمنین خود، کلمه به کلمه و سطر به سطر تفسیر نهج البلاغه و قرآن است؛ لذا شما وقتی نهج البلاغه را می‌خوانید هم تاریخ و زندگی علی علیه‌السلام را دانستید و هم اسلام را شناختید. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳.؟

لیکن مطالب این کتاب که در مجموع، درس زندگی اجتماعی برای مسلمانهاست، به طور مجرد از زندگی مطرح نشده است. گوینده‌ی این کلمات رئیس مملکت، حاکم و فرمانروای بزرگی است که حکومت او بر کشور پهناور و عظیمی گسترش داشته است. این انسان بزرگ که مسؤولیت ملک داری و زمامداری را هم بر دوش داشته، با احساس این مسؤولیت عظیم چنین مطالبی را بر زبان جاری کرده است. نهج البلاغه مانند گفته‌های حکیمی نیست که دور از غوغای زندگی و فارغ از واقعیتها و مسایل گوناگونی که در یک جامعه ممکن است مطرح باشد، می‌نشیند و معارف اسلامی را بیان می‌کند؛ بلکه سخنان انسانی است که بار مسؤولیت اداره‌ی یک جامعه‌ی عظیم را بر دوش خود احساس می‌کند و دانای دین و بصیر به همه‌ی معارف اسلامی و قرآنی است و با دلی ملامت از معرفت و روحی بزرگ و در مقامی پرمسؤولیت، با مردم رو به رو می‌شود، با آنها حرف می‌زند و به سؤالات و استفسارات آنها پاسخ می‌دهد. این است زمینه و موقعیت صدور نهج البلاغه. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳.؟

این بزرگوار یکی از معجزات شگفت آور خدا در تاریخ بود و حادثه‌ی شگفت آور دیگر این بود که قدر امیرالمؤمنین را در زمان خودش ندانستند. این هم واقعا از آن حوادث شگفت آور و تلخ است. کار را به جایی رساندند که - بر اساس آنچه که در نهج البلاغه آمده است - ایشان به طور مکرر در زمان حکومت خودشان از دست مردم به خدای متعال شکوه می‌کردند. دل آن بزرگوار پر از خون بود. با این همه سعه‌ی صدر و با این همه گذشت در راه خدا و احکام الهی، آن بزرگوار در نهایت ضیق و عسرت در دوران زندگیش قرار گرفته بود. -خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۱/۱/۷ / روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱/۱/۸.؟

فصل چهارم: فیض الاسلام اولین مترجم نهج البلاغه

اولین ترجمه‌ی که از نهج البلاغه شده، توسط آقای سید علی نقی فیض الاسلام - مترجم روحانی محترم - انجام گرفته است. او اولین کسی بود که این کتاب را همه فهم کرد و به دست مردم داد. کار ایشان کار مهمی بود که من به آن ارج می‌گذارم و قدردانی می‌کنم. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول) ۱۳۶۰.؟

از عالم جلیل آقای فیض الاسلام که اولین بار این کتاب را به فارسی ترجمه کرد و در اختیار مردم قرار داد و صدای نهج البلاغه را برای اولین بار به گوش مردم رساند؛ تشکر کردم و باز هم تشکر می‌کنم. همچنین از چند نفر نویسندگان محترمی که از نهج البلاغه ترجمه‌های منتخب یا آزاد و به صورت بیان محتوا به دست داده‌اند؛ به سهم خود سپاسگزارم. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳.؟

اولین کسی که در زمان ما نهج البلاغه را به میان آورد، مرحوم فیض الاسلام بود. ایشان یکی از علمای بزرگ تهران و یک عالم آگاه و با اخلاص و روشنفکر بود اما رفت؛ لکن ترجمه‌ی غنی نهج البلاغه را به دست مردم داد. من مقیدم که خدمت آن سید بزرگوار را - که حتی یک بار در عمرم او را از نزدیک ندیدم و اخیراً ایشان به رحمت ایزدی پیوستند - همه جا ذکر کنم تا خدمت بزرگ او برای جامعه‌ی ایرانی فراموش نشود.

قبل از آن که ترجمه‌ی فیض الاسلام در اختیار ما قرار گیرد، جز ترجمه‌ی -مرحوم حاج سید علینقی محمد دیباج ((فیض الاسلام)) در سال ۱۲۹۰ ه.ش، در یکی از روستاهای اصفهان متولد شد. طبق شجره نامه موجود چهل نسل مرحوم ((فیض الاسلام)) به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌رسد. مرحوم ((فیض الاسلام)) از سن پنج سالگی نزد برادرش آقای سید غیاث الدین به تحصیل علوم شریعه می‌پردازد. وی تحصیلات خود را در حوزه‌های تهران، مشهد و نجف تکمیل کرده، و نزد اساتیدی چون مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم شیخ ضیاء الدین عراقی، مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی و مرحوم شیخ محمد کاظم شیرازی تلمذ نموده و در این مدت ترجمه و شرح نهج البلاغه را نیز به طور خیلی جدی دنبال می‌کرد. تنها جمع آوری مدارک و یادداشت برداری کتاب ((نهج البلاغه)) مدت هفده سال طول کشید و تحریر آن در شش سال از ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۱ ه.ق انجام پذیرفت و در شش جلد تنظیم گردید و تاکنون بیش از یک میلیون نسخه از این نهج البلاغه چاپ و در اختیار عموم قرار گرفته است. و سرانجام مرحوم فیض الاسلام در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۴ ه.ش در سن ۷۳ سالگی دارفانی را وداع گفت. به نقل از روزنامه کیهان؟ ملا فتح الله کاشانی و کتابهای قدیمی و شرحهای عربی چیزی در دست نداشتیم. قبل از اینها هم در محیطهای مردمی و روشنفکری و دانشجویی و دانش آموزی و حتی در محیط طلبگی و حوزه‌ی علمیه، از نهج البلاغه نشانی نداشتیم و ما امروز باید این موهبت را با عمل به نهج البلاغه جبران کنیم. -بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانش‌آموزان شرکت کننده در مسابقات نهج البلاغه ۱۳۶۵.؟

فصل پنجم: قرآن و نهج البلاغه

این کتاب وقتی در کنار قرآن قرار بگیرد، یقیناً تالی قرآن است، یعنی ما دیگر کتابی نداریم که دارای این حد از اعتبار و جامعیت و قدمت باشد. لذا احیای نهج البلاغه فقط وظیفه‌ی ما شیعیان نیست، بلکه وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانهاست، یعنی هر کس علی بن ابی

طالب علیه‌السلام را قبول دارد و مسلمان است - چون در اسلام کسی نیست که این بزرگوار را قبول نداشته باشد - به عنوان احیای یک میراث بی نظیر اسلامی باید نهج البلاغه را زنده کند و این احیا نه فقط به معنای کثرت چاپ - که زیاد هم چاپ شده - بلکه به معنای کار کردن و تحقیق کردن در زمینه‌ی آن است.

همچنان که در زمینه‌ی قرآن کریم کار شده و تفسیرهای زیادی نوشته شده است، درباره‌ی نهج البلاغه هم باید این کارها انجام گیرد. همان طور که قرآن خوانده می‌شود، نهج البلاغه هم باید خوانده شود؛ چون تالی و دنباله‌ی قرآن است. همان طور که مسلمانها خودشان را موظف می‌دانند با قرآن انس پیدا کنند و ندانستن قرآن را برای خود نقص می‌شمارند؛ دانستن نهج البلاغه هم باید نقص به حساب بیاید. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴. ?

جای یک ترجمه‌ی کامل و همه جانبه از نهج البلاغه و جای یک ترجمه‌ی کامل و روشن و رسا از قرآن در جامعه‌ی ما همچنان خالی است.

برای چندمین بار از همه‌ی کسانی که می‌توانند ترجمه‌ی خوبی از قرآن کریم به فارسی تهیه کنند و ارایه دهند، خواهش می‌کنم این کار را بکنند جمهوری اسلامی بعد از پنج سال به نظرم قدری دیر کرده است؛ باید این کار زودتر انجام می‌گرفت و هر چه می‌گذرد دیرتر می‌شود. به نظر من اشکالی ندارد که چندین نفر شروع کنند به ترجمه‌ی این دو اثر مقدس و هر مقدار را که می‌توانند پیش ببرند؛ چون به هر حال هیچ ترجمه‌ی کامل نخواهد بود. یعنی این طور نباشد که اگر کسانی شنیدند فلان نویسنده‌ی خوب و آشنا به زبان عربی، مشغول ترجمه‌ی نهج البلاغه یا قرآن شده است، از کار خود دست بکشند و کاری نکنند هر کسی شوق این کار را در خود احساس می‌کند، شروع کند. اگر ده ترجمه‌ی بسیار خوب هم از قرآن کریم و نهج البلاغه‌ی شریف داشته باشیم، زیادی نیست، هیچ اشکالی ندارد که علایق و ذوقهای گوناگون و دیدگاههای مختلف از یک آیه یا یک جمله بتوانند خواننده را قدری به ابعاد واقعی آن جمله نزدیکتر کنند بنابراین به نظر من این کار امروز در اولویت قرار دارد. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. گفتنی است که خوشبختانه در چند سالی که از بیانات مقام معظم رهبری می‌گذرد کارهای خوبی جهت ترجمه‌ی قرآن و نهج البلاغه انجام گرفته است. ?

قرآن بدون حدیث، مفسر و مبین ندارد و حدیث بدون قرآن جهت ندارد، لذا اگر بخواهیم ایمان آگاهانه و عمیق در جامعه داشته باشیم، باید قرآن و حدیث جایگاهی مقتضی در جامعه داشته باشند.

آشنایی با قرآن باید در دانشگاهها معمول شود تا روح و فرهنگ قرآنی در مراکز علمی حاکمیت یابد. در زمینه‌ی حدیث، ما نهج البلاغه را داریم که مجموعه‌ی حدیثی و کامل است و بسیاری از نیازها و راه حلهای مسایل و مشکلات امروزی ما در این کتاب جمع است. -ترجمه‌ی قرآن از آقایان: آیت الله ناصر مکارم شیرازی، عبدالمحمد آیتی، محمد خواجوی، جلال الدین فارسی، بهاء

الدین خرمشاهی، و... ?

انس با قرآن و نهج البلاغه چیز عجیبی است. نهج البلاغه واقعا تالی تلو قرآن است. انسان وقتی با نهج البلاغه یا با صحیفه سجادیه انس پیدا می کند می بیند که چیزهای نابی از اسلام در اختیار دارد. -ترجمه‌ی نهج البلاغه از آقایان: دکتر سید جعفر شهیدی، عبدالحمید معادیخواه، علی اصغر فقیهی و یک ترجمه‌ی کهن به همت دکتر عزیز الله جوینی. ?

فصل ششم: نقش نهج البلاغه در جامعه‌ی اسلامی

ما جامعه‌ی ایرانی متأسفانه قرنهای متمادی از کتاب شریف و روشنگر مبین نهج البلاغه محروم بودیم. یک زندگی سعادت‌مند انسانی به لحاظ تمام ابعاد و با همه‌ی خصوصیات، از نهج البلاغه قابل درس گرفتن است.

اگر بخواهیم خودمان و جامعه‌ی را که شایسته‌ی انسان است بسازیم و به اخلاق و خصال و عقاید نیکو و نشاط و امید و آینده نگری و خودسازی شخصی دست یابیم و به وظایف و تکالیفمان عمل کنیم و جامعه‌ی سراپا عقل و حق داشته باشیم و با امید و جهاد و تلاش و پیروزی و موفقیت و بر مبنای یک فلسفه‌ی عالمانه و درست حرکت کنیم؛ می‌بایست همه‌ی این درسها را از نهج البلاغه بیاموزیم. -بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانش‌آموزان شرکت کننده در مسابقات نهج البلاغه، ۱۳۶۵. ?

خودسازی فردی و سازندگی زندگی اجتماعی برای انسان لازم است.

البته نهج البلاغه یک ابعاد عرفانی هم دارد که من خود را کوچکتر از آن می‌دانم که آن ابعاد را بفهمم و درک کنم. مجبورم به ظواهر آن کلمات اکتفا کنم و بگذرم. آنها را هم اهل الله و مردمان عارف و انسانهای حکیم و دل‌های آشنا با خدا می‌توانند بفهمند. -

بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانش‌آموزان شرکت کننده در مسابقات نهج البلاغه، ۱۳۶۵. ?

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در سخنرانیهای خود چه می‌گوید؟ این امیری که هم حاکم جامعه‌ی اسلامی است و هم پایه و مایه‌ی از حکمت دارد چه گفته است؟ بدیهی است که سخن او مطابق با نیازهاست و چیزی را که نیاز قطعی آن مرحله از تاریخ اسلام طلب می‌کند می‌گوید و ممکن نیست غیر از آن چیزی بگوید ممکن نیست که آن طیب حاذق دلسوز نسخه‌ی بنویسد که بیمار او به آن احتیاج ندارد. بنابراین ما از نسخه‌ی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام یک چیز دیگر پیدا می‌کنیم و آن وضعیت جامعه‌ی اسلامی آن روز است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴. ?

حقیقت دیگری که وجود دارد و امروز ما را بیشتر از گذشته به نهج البلاغه مشتاق و محتاج می‌کند این است که در طول تاریخ اسلام، متأسفانه با انحرافی که از کج فهمی و جهالت از یک سو و غرض ورزی و دشمنی از سوی دیگر حاصل شده است، در آنچه که از معارف اسلامی در اختیار ماست سردرگمی‌هایی داشته‌ایم. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?

با این که مدتهاست تا حدود زیادی نهج البلاغه از فراموشی بیرون آمده و نام آن به گوش مردم رسیده و به نحوی در دسترس مردم قرار گرفته است ولی باز اعتقاد دارم که در اطراف این کتاب باید تحقیقات علمی و همه جانبه‌ی انجام بگیرد، البته کارهایی که تاکنون انجام گرفته و شمه‌یی از آنها در کتابنامه‌ی نهج البلاغه درج شده است، قابل توجه و سزاوار تقدیر و تشکر می‌باشد. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?

درباره‌ی توجهی که باید به نهج البلاغه پیدا کنیم، می‌خواهم هشدار بدهم: ما این توجه را امروزه کم داریم، مثل این که نمی‌دانیم چه گنجینه‌ی معرفت بی‌پایانی در این کتاب وجود دارد، یا هنوز برای مردم ما - حتی محققین - اهمیت دستیابی به منبع عظیم این کتاب بی‌نظیر، به طور کامل کشف نشده است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴. ?

اگر قرار باشد همین طوری که شما دارید با دین و قرآن و نهج البلاغه و اسلام، خودتان را آشنا می‌کنید، پیش بروید؛ پایه‌های امپراطوری‌های زر و زور در دنیا به وسیله‌ی شما متزلزل خواهد شد؛ لذا از شما می‌ترسند. -بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانش‌آموزان شرکت کننده در مسابقات نهج البلاغه، ۱۳۶۵. ?

محققان، نهج البلاغه را برای این زمان بسیار قدر بدانند. حقیقت این است که اگر ما امروز ((هزاره‌ی نهج البلاغه)) را می‌گیریم، باید بدانیم که این کتاب عزیز از این هزار سال اقلان نهصد و پنجاه سال را در انزوا و سکوت بوده است. جز دانشوران و خواص، کسی از نهج البلاغه نامی نمی‌دانست. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

این انقلاب در سایه‌ی آموزشهای امیرالمؤمنین علیه‌السلام و با اتکا به قرآن و نهج البلاغه، به پیروزی رسیده است. امروز تقریباً همان جامعه‌ی اسلامی و علوی تشکیل شده و تقریباً همان شرایط در بیشتر ابعاد در جامعه و کشور ما حکم است. امروز روز استفاده هر چه بیشتر از نهج البلاغه است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?

امروز شرایطی مشابه شرایط حکومت دوران امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.

پس روزگار، روزگار نهج البلاغه است. امروز می‌شود از دیدگاه دقیق و نافذ امیرالمؤمنین علیه‌السلام به واقعتهای جهان و جامعه نگاه کرد و بسیاری از حقایق را دید و شناخت و علاج دردها را پیدا کرد. همین است که به نظر ما؛ امروز بیش از همیشه به نهج البلاغه محتاج‌تریم. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?

امروزه برای ما نهج البلاغه از جهات مختلفی است، تأکید می‌کنم که این کتاب، گنجینه‌ی بی‌نظیر و تمام نشدنی است و امروز هم بیشتر از همیشه ملت و جامعه‌ی اسلامی ما به آن نیازمند است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴. ?

مایه‌ی خوشبختی بسیاری است که همت برادران عزیز در بنیاد نهج البلاغه شاهد تشکیل یک مجمع دیگر درباره‌ی این کتاب شریف هستیم. بنده به عنوان یک فرد مسلمان و کسی که مدتی از زندگی فکری و مطالعاتی خودش را در زمینه‌ی مباحث نهج البلاغه گذرانده است و به عنوان یک مسؤول در نظام جمهوری اسلامی، این حرکت را یک حرکت مبارک و لازم و خوش عاقبت و

مرحله کنونی را برای رسیدن به مراحل نهایی، مرحله‌ی ابتدایی و فرخنده می‌شمارم. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴.؟

همت برادران در خور تقدیر بسیار است و به این مقدار هم نباید بسنده شود، باید خدمت به نهج البلاغه همچنان ادامه پیدا کند. البته در فاصله‌ی بین این کنگره و کنگره‌ی سال گذشته، کارها و تلاشهایی در زمینه‌های مختلف انجام گرفته است که من در جریان بعضی از آنها اقرار گرفته‌ام؛ اما می‌خواهم تأکید کنم که این اجتماعات باید مقدمه‌یی برای کارهایی عظیم باشد ما زمان بسیاری را با عدم ارتباط با نهج البلاغه گذرانده‌ایم.

امروز با فرصتهایی که وجود دارد باید آن نقایص را جبران کنیم. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴.؟
برای من خیلی دلنشین بود، اگر این توفیق را پیدا می‌کردم که مثل یکی از شما در جلسات این کنگره ارزشمند شرکت فعال بکنم و مانند همیشه که نهج البلاغه یکی از قبله‌های امید فکری ما بود و بسیاری از اوقاتمان به مطالعه‌ی آن می‌گذشت و در حوزه‌ی تدریس و تدریس و فکر و مطالعه‌ی ما جایگاه عمده‌یی داشت؛ در این محفل شریف علمی و ارزشمند هم مانند یک جستجوگر از اعماق این اقیانوس عظیم بحثی را بررسی می‌کردم و همه روزه در جلسات آن حاضر می‌شدم. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳.؟

به تدریج، نهج البلاغه به صحنه‌ی زندگی آمد و به دست مردم افتاد مردم نمی‌دانستند نهج البلاغه‌یی هم وجود دارد. تنها جملاتی که از نهج البلاغه شنیده بودند بیشتر در مذمت دنیا و بخش کمی از اخلاق بود و دیگر هیچ بعد از آن، قدری نهج البلاغه دست به دست گشته است، کسانی بر آن شرح نوشته‌اند و کسانی برداشتهای خود را به نام شرح نوشته‌اند.

همه‌ی این زحمات ارجمند و قابل تقدیر است؛ اما در برابر عظمت نهج البلاغه و کارهایی که باید انجام گیرد ناچیز است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰.؟

عواملی که در درون جامعه به وجود می‌آید و جامعه را به ضعف انحطاط دچار می‌کند و موجب زوال جامعه و دولت حق می‌شود، در قرآن و حدیث شمرده شده است. اگر قرآن و نهج البلاغه و احادیث را مطالعه کنیم. خواهیم دید که خدای متعال و اولیای معصومین این موضوع را بسیار مهم دانسته‌اند و به قدر کافی به ما مردم درباره‌ی آن توصیه کرده‌اند و راه و چاه را نشان داده‌اند. -خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۷/۶/۱۱ / روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۷/۹/۲.؟

رعایت حال عامه‌ی مردم، کنار زدن طبقات ممتاز و نداشتن چنین طبقاتی در جامعه‌ی اسلامی مورد نظر حضرت بوده است.

امیرالمؤمنین در این باره به مالک اشتر در آن فرمان معروف عظیم بی بدیل این گونه می‌فرماید:

((از همه‌ی کارها محبوبتر در نزد تو آن کاری باشد که در حق میانه‌تر و در حق گراتر و در عدل گسترده‌تر و همه شمولتر و نسبت به خشنودی عامه‌ی مردم، فراگیرنده‌تر باشد. آن کاری را انتخاب بکن که خشنودی عامه‌ی مردم را تأمین بکند.)) عامه‌ی مردم در مقابل خواص مردم و طبقات ممتاز. - در مکتب جمعه، ج ۶، ص ۳۸۹ / خطبه‌های نماز جمعه تهران ?

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه درباره‌ی توحید، نبوت، امامت، قیامت و معاد و قدرت خدا و مسایل اعتقادی بحثهای مفصلی کرده‌اند که اگر اندیشمندان فقط به ترجمه‌ی درست و توضیح مختصر همین مطالب پردازند؛ حقایق بسیاری از ایدئولوژی اسلام در اختیار ذهن و دل شنوندگان و خوانندگان قرار خواهد گرفت. علی علیه‌السلام در این خطبه‌ها به فکر آن است که مغزها را بسازد و هدایت کند. - گفتاری درباره حکومت علوی، ص ۱۱. ?

سطح فرهنگ و اندیشه‌ی مردمی که در جامعه‌ی اسلامی آن روز زندگی می‌کردند، آن چنان بالا بود که وقتی علی بن ابی طالب علیه‌السلام این سخنان عمیق و پر مغز را در منبر ادا می‌کرد، زن و مرد و کوچک و بزرگ سخن او را می‌فهمیدند... . پس همان طور که می‌بینید سطح فرهنگ جامعه‌ی علوی بالاست و در آن حدی است که نهج البلاغه را می‌فهمد. - گفتاری درباره حکومت علوی، ص ۴. ?

اگر می‌بینید سخن امیرالمؤمنین در آن روزگار که دنیای جهالت و تاریکی بود، آن چنان می‌درخشید که همه‌ی مرد و زن و کوچک و بزرگ وقتی آن سخنان را می‌شنیدند، به قدر فهم خود درک می‌کردند و امروز قرن‌ها بعد از آن زمان دانشمندان و بزرگان و اندیشمندان شرح این کلمات را می‌نویسند؛ به این دلیل است که آن روز در جامعه انقلاب بود و هر روزی که در جامعه انقلاب باشد قضیه همین گونه است.

اینها خطابه‌های امیرالمؤمنین بود این خطابه‌ها از خطابه‌هایی که امروز شما در نهج البلاغه می‌بینید، زیاده‌تر است. - گفتاری درباره حکومت علوی، ص ۱۰. ?

فصل هفتم: نقش نهج البلاغه در جهان اسلام

در شرایط کنونی جهان اسلام که عدد مسلمانها کثیر است و اقطار وسیعی از جغرافیای عالم را در اختیار دارند و آرا و عقاید و نظرات و اجتهادها و مکتبهای گوناگونی بر ذهن و روحشان حاکم است، اگر ما بتوانیم متون صدر اسلام را احیا کنیم؛ کمک زیادی به ایجاد یک محور اصلی برای این اجتهادها کرده‌ایم.

نهج البلاغه را از این دیدگاه نگاه کنید نهج البلاغه با این دیدگاه هرگز با کتاب حدیث فلان صحابی یا تابعی که پنجاه سال، شصت سال، صد سال و یا صد و چهل بعد از هجرت بوده قابل مقایسه نیست. - بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه،

نهج البلاغه مخصوص کشور ما نیست، بلکه متعلق به همه‌ی دنیای اسلام است و دنیای اسلام هم امروز در حال رسیدن به یک

بیداری و حیات دوباره‌ی اسلامی است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?

احیای نهج البلاغه فقط وظیفه‌ی ما شیعیان نیست، بلکه وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانهاست، یعنی هر کس علی بن ابی طالب علیه‌السلام را قبول دارد و مسلمان است - چون در اسلام کسی نیست که این بزرگوار را قبول نداشته باشد. به عنوان احیای یک میراث بی نظیر اسلامی باید نهج البلاغه را زنده کند و این احیا نه فقط به معنای کثرت چاپ - که زیاد هم چاپ شده - بلکه به معنای کارکردن و تحقیق کردن در زمینه‌ی آن است.

همچنان که در زمینه‌ی قرآن کریم کار شده و تفسیرهای زیادی نوشته شده است درباره‌ی نهج البلاغه هم باید این کارها انجام

گیرد. همان طور که قرآن خوانده می‌شود، نهج البلاغه هم باید خوانده شود؛ چون تالی و دنباله‌ی قرآن است. همان طور که

مسلمانها خودشان را موظف می‌دانند با قرآن انس پیدا کنند و ندانستن قرآن را برای خود نقص می‌شمارند، دانستن نهج البلاغه هم باید نقص به حساب بیاید. -سخنان مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴. ?

امروز آشکارترین و روشنترین حقایق اسلامی، به وسیله‌ی بخشی از مدعیان اسلام در کشورهای اسلامی نادیده گرفته می‌شود امروز همان روزی است که شعارها یکسان است؛ اما جهت گیریها به شدت مغایر یکدیگر است امروز شرایطی مشابه شرایط حکومت دوران امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. پس روزگار، روزگار نهج البلاغه است. امروز می‌شود از دیدگاه دقیق و نافذ امیرالمؤمنین علیه‌السلام به واقعیتهای جهان و جامعه نگاه کرد و بسیاری از حقایق را دید و شناخت و علاج درها را پیدا کرد همین است که به نظر ما امروز بیش از همیشه به نهج البلاغه محتاج‌تریم.

این یک جهت بود که ضرورت پرداخت به نهج البلاغه و بازگشت به این مجموعه را که از زبان امیرالمؤمنین و مولای متقیان علیه‌السلام نقل شده نشان می‌دهد باید هر چه بیشتر در پیرامون آن کار کرد و مقدماتی که بتواند این کتاب را قابل استنادتر و قابل فهم‌تر بکند، آماده کرد؛ زیرا این کار از همیشه لازم‌تر و ضروری‌تر است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?

فرهنگ‌هایی که امروزه بر ذهنیت مردم در بخشها و تقسیم بندیهای مختلف سیاسی حاکم است، هیچ کدام منطبق با فرهنگ نهج البلاغه نیست. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

کسانی که در زمینه‌ی نهج البلاغه کار کرده‌اند کم نیستند - چه در ایران بود و بعضی از دیگر از کشور از کشورهای اسلامی - اما کارهای اصولی و اساسی که بتواند مدرسه‌ی نهج البلاغه را در کل فضای جهان اسلام گسترش بدهد، همچنان باقی است. اگر چه پایه‌های آن کارهای اصولی، دارد تدریجاً انجام می‌گیرد. واقعا نهج البلاغه گنجینه‌ی عظیمی است که به این سادگی، حتی به

موجودی آن نمی‌شد دسترسی پیدا کرد؛ یعنی آن را فهمیده و بعد از این که چنین موجودی را شناختیم، نوبت کار اصلی یعنی بهره‌برداری است. ما هنوز موجودی نهج البلاغه را هم نمی‌دانیم، البته بسیاری از منابع غنی اسلامی همین وضعیت را دارد؛ اما نهج البلاغه با رتبه و پایه‌ی والایی که دارد، در حقیقت یک استثناست و باید به صورت یک گنجینه‌ی استثنایی با آن برخورد کرد. وقتی تأمل می‌کنم، می‌بینم آرزویی که داشته‌ایم و داریم، این است که جامعه‌ی ما با این کتاب عزیز الفت و انس پیدا کند.

فصل هشتم: نقش وزارت آموزش و پرورش در احیاء نهج البلاغه-بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴. ?

برای من بسی شیرین و لذت بخش بود اگر فرصت شنیدن صوت دلنشین تک تک شما را داشتم؛ یعنی شما بچه‌های عزیز - این امیدهای آینده - با دل‌های پاک و روح‌های درخشان و نوربخش خودتان می‌آمدید و جملات نورانی نهج البلاغه را برای ما می‌خواندید... .

من از برادران عزیزمان در وزارت آموزش و پرورش خواهش می‌کنم این راه را رها نکنید، دنبال این خط را بگیرید. نهج البلاغه را داخل مدرسه‌ها و کلاسها ببرید تا دانش‌آموزان متن عربی اش را یاد بگیرند.

بهترین نویسندگان و شیواترین هنرمندان را استخدام کنید و از آنها بخواهید که بیایند اینها را ترجمه‌ی زیبا کنند تا آن را بچه‌های ما حفظ کنند نهج البلاغه باید در کتابهای درسی ما بیاید. ما از نهج البلاغه خیلی دور ماندیم لذا باید این فاصله را جبران کنیم. -بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانش‌آموزان شرکت کننده در مسابقات نهج البلاغه، ۱۳۶۵. ?

تمام مفاهیم لازم برای تقویت نظام جمهوری اسلامی در نهج البلاغه وجود دارد. شما عزیزان و نوچشمهای ما، دانش‌آموزان و زبده‌گان و بچه‌های با استعداد و خوش حافظه - چه دختر و چه پسر - که در وادی حفظ و ترجمه‌ی نهج البلاغه و فراگیری این کتاب مقدس افتاده‌اید، بدانید که این نعمت، بسیار با برکت و با عظمت است. این موهبت خدایی را مغتنم شمارید و پیش بروید. -بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانش‌آموزان شرکت کننده در مسابقات نهج البلاغه، ۱۳۶۵. ?

معلمان و مربیان و وزارت آموزش و پرورش و معاونت مربوط و برادرانی که این کار را پی گرفتند، بدانند که یکی از ذی‌قیمت‌ترین کارهاست. مبادا این کار را دست کم بگیرید و کوچک بشمارید بیست سال دیگر جامعه‌ی ما خواهد فهمید که اجتماع امروز شما و این فراگیری نهج البلاغه چه آثاری خواهد داشت. بدانید که این یک نهال بابرکتی است که امروز به دست برادران عزیزمان در بنیاد نهج البلاغه و وزارت آموزش و پرورش و بقیه‌ی کسانی که دست‌اندر کارند، غرس شد و برکات و میوه‌هایش را در آینده خواهد داد. این کار را رها نکنید و بچه‌های عزیز و برادران عزیزمان هم بدانند که نهج البلاغه حاوی کلمات بسیار ذی‌قیمت است. -بیانات

مقام معظم رهبری در جمع دانش‌آموزان شرکت کننده در مسابقات نهج البلاغه، ۱۳۶۵. ?

در این اردوگاهی که شما جمع شده‌اید قبلاً عده‌ای می‌آمدند تا فرهنگ غرب و فرآورده‌های ذهنی فرهنگ غلط و فاسد بیگانگان را در این جا نشخوار کنند و از همدیگر یاد بگیرند و به بچه‌ها فساد یاد بدهند اما امروز عکس آن شده است؛ امروز در این جا به بچه‌ها دین و قرآن و نهج البلاغه یاد می‌دهند. -بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانش‌آموزان شرکت کننده در مسابقات نهج البلاغه، ۱۳۶۵.؟

فصل نهم: درمان دردها در نهج البلاغه

امروز ما در شرایط مشابهی مانند دوران حضرت علی علیه‌السلام هستیم، ما را هم دنیاطلبی تهدید می‌کند، ما را هم ابتلای به کبر و خود پرستی و تبعیض، تهدید می‌کند، طوفانهای فتنه‌های اجتماعی ما را هم به فرو ریختن تهدید می‌کند بنابراین ما هم به آن درمانها احتیاج داریم و بیش از همیشه به نهج البلاغه احتیاج داریم. من ندیده‌ام از این دیدگاه کسی دنبال نهج البلاغه رفته باشد. می‌دانید که البته خیلی کار شده اما این یک دیدگاه جدید است.

اینک در آینه‌ی نهج البلاغه نگاه کنید و ببینید شما از وضع کنونی خودتان چه چیزی را در آن می‌بینید؟ کدام درد و کدام خطر را می‌بینید؟ کدام هشدار متوجه ماست؟ و بدانید که درمان همه‌ی اینها در نهج البلاغه است .

امروز بسیار لازم است که محققان، نهج البلاغه را از این جهات تفسیر کنند. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴.؟

نمونه وار چند فقره از بیماریهای آن روز را که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در صدد معالجه‌ی آنهاست ذکر می‌کنم: یکی از این بیماریها مسأله‌ی دنیا است. در نهج البلاغه چه بسیار علیه دنیا و دنیاطلبی و دنیا فریفتگی و علیه خطرات و کمینهای دنیا هشدار داده شده است. یکی از بخشهای مهم نهج البلاغه زهد آن است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴.؟

ما مثل آن بیماری که یک نسخه‌ی کامل از یک طبیب حاذق در جیب خود یا در طاقچه‌ی اتاق خود دارد، اما در عین حال لای آن نسخه را باز نمی‌کند و به آن عمل نمی‌کند و از آن بیماری دایما رنج می‌برد. قرنهای متمادی نهج البلاغه را داشتیم اما از آن استفاده نکردیم و از معارف آن بهره نبردیم و بیماریهای فردی و اجتماعی خود را برای خودمان جنگ داشتیم. این آن تأسف و افسوس بزرگی است که هر کس با نهج البلاغه آشنا بشود، در دلش جا خواهد گرفت. -بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانش‌آموزان شرکت کننده در مسابقات نهج البلاغه، ۱۳۶۵.؟

امیرالمؤمنین علیه‌السلام و اسلام در نهج البلاغه خطبه‌ی بی‌نام ((قاصعه)) دارد که بسیار خطبه‌ی مهم و پرمضمون و شگفت آوری است. یکی از محورهای عمده‌ی این خطبه مذمت تکبر است.

در این جا جمالتی درباره‌ی پیغمبران دارد که من چند جمله را برایتان می‌خوانم.

درباره‌ی پیغمبران می‌فرماید: و لکنه سبحانه کره الیهم التکابر خدای- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲. در این خطبه از ((ابلیس)) که تکبر ورزید و بر آدم سجده نکرد سخت نکوهش شده و در آن آمده است که ((ابلیس)) نخستین کسی است که تعصب و نخوت را اظهار کرد: امام علیه‌السلام در اینجا مردم را از پیمودن راه و رسم شیطان و ((تکبر)) و ((تعصب)) برحذر می‌دارد. ? سبحان کبر و فخر فروشی را در نظر پیغمبران زشت و مکروه قرار داد.

و رضی لهم التواضع

و تواضع را برای آنها شایسته دانست و راضی شد که آنها تواضع باشند. فالصفوا بالارض خوددهم؛ این قدر پیغمبران اهل تواضع و یگانگی بودند که صورتهای خودشان را به زمین می‌چسبانند. و عفروا فی التراب وجوههم؛ پیشانی خود را با خاک آلوده می‌کردند (اینها کنایه از تواضع و فروتنی است). بعد می‌فرماید:

و خفضوا اجنحتهم للمؤمنین و کانوا قوما مستضعفین

؛ برای مؤمنین ((خفض جناح)) می‌کردند (نهایت تواضع و فروتنی همراه با مهربانی را خفض جناح می‌گویند)، پیغمبران با مؤمنین این گونه بودند، لذا مؤمنین همیشه دور پیغمبر جمع می‌شدند.

و کانوا قوما مستضعفین؛ در حالی که مؤمنین با پیغمبران مردمان مستضعفی بودند (که به هر معنا بگیریم مقصود ما را بیان می‌کند:

یا خود پیغمبران، مستضعفان بودند و یا مؤمنین که پیغمبران در میان آنها بودند و در مقابل آنها آن طور خضوع می‌کردند؛ آنها

مردمان مستضعفی بودند) لذا به پیغمبر ایراد می‌گرفتند که و تبعهم الارذلون؛ مردمان پست، مردمان پایین جامعه اطراف پیغمبر را

گرفته‌اند! -در مکتب جمعه، ج ۷، ص ۱۹۸ / خطبه‌های نماز جمعه تهران ۶/۸/۶۲. ?

امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می‌فرماید: پیغمبران در مقابل مؤمنین خاضع بودند؛ در حالی که آن مؤمنین از اقوام مستضعف بودند.

انبیا با همین عامه‌ی مردم و قشرهای وسیع مردم که اکثریت افراد یک جامعه را تشکیل می‌دهند، سر و کار داشتند. پیغمبر ما هم

سر و کار داشت، امام امت هم در این روزگار سر و کار دارد و باید این رابطه میان دولت و مسئولان و مردم بماند. باید این رابطه

ضعیف نشود. رگ اصلی انقلاب ما وجود همین رابطه است. -در مکتب جمعه، ج ۵، ص ۱۲ / خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۴/۳/۶۱. ?

موضوع دیگری که در نهج البلاغه بارها تکرار شده است، ((تکبر)) است. یعنی همان که محور اصلی خطبه‌ی قاصعه است. البته

مخصوص خطبه‌ی قاصعه هم نیست، در خیلی جاها هست، مسأله‌ی تکبر یعنی خود را از دیگران بالاتر دانستن؛ همان آفتی که

اسلام را و نظام سیاسی اسلام را منحرف کرد و خلافت را به سلطنت تبدیل کرد و به کلی نتایج زحمات پیامبر صلی الله علیه و آله

را تقریباً در برهه‌یی از زمان از بین برده است. این است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه به آن بسیار اهمیت می‌دهد. -
بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴. ?

این که نهج البلاغه پر از زهد و ترغیب به زهد است؛ چه چیز را نشان می‌دهد؟ بیماری را نشان می‌دهد این نسخه‌ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام که این قدر راجع به دنیا گرم و پرشور و پرهیجان و زیبا و بلیغ حرف می‌زند؛ نشان می‌دهد که مردم بدطوری گرفتار دنیا شده بودند. بیست و سه سال پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، مردم بدطوری اسیر شده بودند. این دست گره گشا سعی می‌کند گره‌های این کمند را از دست و پای آنها باز کند. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴. ?
امروزه برای ما نهج البلاغه از جهات مختلفی حساس است، تأکید می‌کنم که این کتاب، گنجینه‌ی بی نظیر و تمام شدنی است و امروز هم بیشتر از همیشه ملت و جامعه‌ی اسلامی ما به آن نیازمند است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴. ?

ما ملت ایران به عنوان کسانی که پایه‌های این نظام را روی دوشمان گرفته‌ایم، اگر امروز به نهج البلاغه مراجعه کنیم؛ در آن چیز جالبی خواهیم یافت. بیماریهای که در این موقعیت ما را تهدید می‌کند و درمان این بیماریها، برای ما ارزنده و حیاتی است. باید برویم و این درمانها را جستجو کنیم. نمی‌خواهم بگویم همه‌ی آن حوادثی که در صدر اسلام اتفاق افتاده، امروز هم همانها مو به مو اتفاق می‌افتد، خیر، اما جهت گیریها یکی است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره پنجم نهج البلاغه، ۱۳۶۴. ?
ما یک سلسله سخنرانی از حضرت علی علیه‌السلام داریم که در این سخنرانیها، ایدئولوژی و تاکتیک جنگ و شیوه و تجربه‌ی حکومت کردن و اخلاق و زهد و تقوی وجود دارد. شما امروز می‌فهمید که ما چه قدر به نهج البلاغه احتیاج داریم. -گفتاری درباره حکومت علوی، ص ۱۳. ?

فصل دهم: حکومت در نهج البلاغه

مسأله‌ی حکومت در نهج البلاغه مانند دهها مسأله‌ی مهم دیگر زندگی، در این کتاب عظیم به شیوه‌ی غیر از شیوه‌ی محققان و مؤلفان مطرح شده است. البته چنین نیت که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فصلی مستقل درباره‌ی حکومت باز کرده باشد و با ترتیب مقدماتی به نتیجه‌گیری برسد. شیوه‌ی سخن او در این باب هم، مانند ابواب دیگر شیوه‌ی حکیمانه است؛ یعنی عبور از مقدمات و تأمل و تمرکز بر روی نتیجه. نگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مسأله‌ی حکومت، نگاه حکیم بزرگی است که با منبع وحی پیوند نزدیک دارد. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

مسأله‌ی حکومت در نهج البلاغه، به صورت یک بحث تجریدی نیست. حضرت علی علیه‌السلام با امر حکومت درگیر بوده و در این کتاب شریف به عنوان یک حاکم و کسی که با اداره‌ی کشور اسلامی - به همه‌ی مشکلات و مصیبت‌ها و دردسرهاش - روبرو بوده و به جوانب گوناگون این مسأله رسیدگی کرده، سخن گفته است. توجه به این امر برای ما که در شرایطی مشابه شرایط امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام قرار داریم، بسی آموزنده است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰.؟

۱ - معنای حکومت

ابتدا باید دید که آیا ((حکومت)) از دیدگاه امام علیه‌السلام به همان معنایی است که در فرهنگ متداول جهان کهن و جهان امروز از آن فهمیده می‌شود؟ یعنی حکومت مترادف است با فرمانروایی، سلطه، تحکم و احیانا برخورداری حاکم یا حاکمان از امتیازاتی در زندگی؟ یا ((حکومت)) در فرهنگ نهج البلاغه، مفهوم دیگری دارد؟ در این باب از چند کلمه و اصطلاح مشخص در نهج البلاغه استفاده می‌کنیم که عنوان ((امام))، ((والی)) و ((ولی امر)) برای حاکم و عنوان ((رعیت)) برای مردم از آن قبیل است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰.؟

در قرآن و همین طور در حدیث - مخصوصا در نهج البلاغه - دو چهره از حاکم تصویر شده است: یک چهره‌ی مثبت و یک چهره‌ی منفی. چهره‌ی مثبت به عنوان امام هدی - امام هدایت کننده به حق - معرفی می‌شود و چهره‌ی منفی هم به عنوان امام و پیشوای آتش و گمراهی، شناسایی می‌شود. امام هدی، پیغمبران و اولیا و حکام به حق اسلامی و حکام بنده‌ی خدا و شایسته بر طبق معیارهای الهی هستند؛ و امام باطل - امام آتش - طاغوت‌ها هستند. -در مکتب جمعه، ج ۷، ص ۱۹۴ / خطبه‌های نماز جمعه تهران ۶/۸/۶۲.؟

۲ - ضرورت حکومت

این یک بحث است که آیا برای جامعه‌ی انسانی، وجود فرماندهی و حکومت، امری ضروری است یا نه؟ استنتاج از این بحث به معنای التزام به لوازمی در زندگی جمعی است و صرفا منحصر به این نیست که ما قبول کنیم حکومت برای جامعه لازم است؛ بلکه نتیجه‌ی بحث ما در شیوه‌ی فرماندهی و در شیوه‌ی فرمانبری و در اداره‌ی جامعه نیز مشخصات و خطوط ویژه‌ی را ترسیم خواهد کرد. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰.؟

مسأله‌ی ضرورت حکومت در نهج البلاغه در مقابل گرایش و جریان قدرتمندانه مطرح می‌شود... از این گرایشها همیشه در جوامع وجود داشته و امروز هم هست و در آینده نیز تا وقتی که اخلاق انسان، کامل و درست نشود؛ چنین گرایشهایی وجود خواهد داشت. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰.؟

۳ - منشأ حکومت

منشأ حکومت از نظر نهج البلاغه چیست؟ آیا امر طبیعی، نژاد، دودمان، نسب، زور و اقتدار (اقتدار طبیعی و یا اقتدار مکتسب) است؟ یا نه، منشأ حکومت و آنچه به حکومت یک انسان یا یک جمع مشروعیت می‌بخشد؛ یک امر الهی یا یک امر مردمی است؟ -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰.؟

در دنیای جدید، دموکراسی - یعنی خواست و قبول اکثریت مردم - ملاک و منشأ حکومت شمرده می‌شود اما کیست که نداند دهها وسیله‌ی غیر شرافتمندانه به کار گرفته می‌شود تا خواست مردم به سویی که زورمداران و قدرت طلبان می‌خواهند، هدایت شود. بنابراین می‌توان در یک جمله گفت که در فرهنگ رایج انسانی، از آغاز تا امروز و از امروز تا زمانی که فرهنگ علوی و نهج البلاغه بتواند بر زندگی انسانها حکومت کند، منشأ حاکمیت اقتدار و زور بوده و خواهد بود و لا غیر.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه، منشأ حکومت را این معانی نمی‌داند و مهمتر این است که خود او هم در عمل آن ثابت می‌کند. از نظر علی علیه‌السلام منشأ اصلی حکومت، یک سلسله ارزشهای معنوی است. آن کسی می‌تواند بر مردم حکومت کند و ولایت امر مردم را به عهده بگیرد که از خصوصیات برخوردار باشد. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰.؟

۴ - حکومت حق است یا تکلیف؟

آیا حکومت کردن، یک حق است یا یک تکلیف؟ حاکم حق حکومت دارد یا موظف است که حکومت کند، و کدام انسان می‌تواند یا می‌باید حکومت کند؟ از نظر نهج البلاغه، حکومت هم حق است و هم وظیفه.

برای کسی که از شرایط و معیارها و ملاکهای حکومت برخوردار است؛ در شرایطی وظیفه است که حکومت را قبول کند، و نمی‌تواند این بار را از دوش خود بر زمین بگذارد. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰.؟

امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانی خلاصه و موجز، حکومت را هم یک حق می‌داند و هم یک وظیفه و هم یک تکلیف. به این ترتیب نیست که هر کسی که برایش شرایط تولیت امور مردم فراهم شد و توانست به نحوی با کسب و جاهت و تبلیغ، و با کارها و شیوه‌هایی که معمولاً طالبان قدرت خوب می‌دانند آن شیوه‌ها چیست؛ نظر مردم را جلب کند و بتواند حکومت کنند. وقتی حکومت، حکومت حق است، این حق متعلق به کسان معینی است و این به معنای آن نیست که یک طبقه، طبقه‌ی ممتازند؛ زیرا در جامعه‌ی اسلامی، همه فرصت آن را دارند که خود را به آن زیورها بیاریند و همه می‌توانند که آن شرایط را برای خود کسب کنند. البته در دوران بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک فصل استثنایی وجود دارد؛ اما نهج البلاغه بیان خودش را به صورت عازم ارایه می‌دهد و بارها و بارها به این حق اشاره می‌کند.

امام، حکومت را حق می‌داند. این چیزی است که در نهج البلاغه واضح است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

۵ - حکومت هدف است یا وسیله؟

آیا حکومت کردن برای فرد یا جمع حاکم، یک هدف است یا یک وسیله؟ و اگر وسیله است، برای چه هدفی؟ حاکم به وسیله‌ی حکومت می‌خواهد جامعه را به چه مقصدی برساند؟! -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

۶ - حاکم و رعیت

مسأله‌ی شورانگیز روابط حاکم و رعیت مبتنی بر چه مبنا و اساسی است؟ آیا حق یک جانبه است که حاکم را بر گرده‌ی مردم سوار می‌کند؟ یا متقابل است؟ از جمله‌ی اساسی‌ترین و پرمعناترین و پرنتیجه‌ترین مباحث حکومت در نهج البلاغه، همین مسأله است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰.

?

۷ - مردو و حکومت

باید ببینیم که در فرهنگ نهج البلاغه، مردم در برابر حکومت چه کاره‌اند؛ تعیین کننده‌اند؟ آغاز گرند؟ اختیار دار تاملند؟ هیچ کاره‌اند؟ چه هستند؟ اینها ظریفترین مسایلی است که در نهج البلاغه عنوان شده است. فرهنگ‌هایی که امروزه در بخشها تقسیم بندیهای مختلف سیاسی بر ذهنیت مردم حاکم است. هیچ کدام منطبق با فرهنگ نهج البلاغه نیست. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

۸ - نحوه‌ی برخورد با مردم

اجزا و اعضای حکومتی چگونه باید با مردم برخورد کند؟ آیا طلبکار از مردمند؟ آیا بدهکار به مردمند؟ اخلاق دستگاه حکومت با مردم چگونه است؟ -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

۹ - رفتار حاکم با خود

آیا برای رفتار حاکم در جامعه، محدودیتی وجود دارد؟ آیا می‌توان به حسن رفتار او با مردم بسنده کرد؟ یا، ماورای نحوه‌ی ارتباط حاکم با مردم، چیز دیگری وجود دارد که آن، نحوه‌ی ارتباط حاکم با خود است؟ زندگی شخصی حاکم چگونه باید بگذرد و نهج البلاغه در این مورد چه نظری دارد؟ -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

۱۰ - شرایط حاکم

در نهج البلاغه از حاکم جامعه‌ی اسلامی هرگز به عنوان ملک یا سلطان سخنی گفته نشده است. یکی از تعبیراتی که در نهج البلاغه وجود دارد؛ یکی ((امام)) به معنای پیشوا و رهبر است. مفهوم رهبر با مفهوم راهنما فرق دارد. رهبر آن کسی است که اگر جمعیت و امتی را به دنبال خود می‌کشاند؛ خود، پیشقراول و طلایه دار این حرکت است. مفهوم حرکت و پیشروی و پیشگامی در خطی که مردم حرکت می‌کنند، در کلمه‌ی ((امام)) وجود دارد. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

به نظر می‌رسد نوع ارتباطهایی که در معنای ولایت ذکر می‌شود، کلاً مصادیق همان پیوند و پیوستگی هستند. والی امت و والی رعیت آن کسی است که امور مردم را به عهده دارد و با آنها پیوسته است و همین معنی، بعد خاصی از مفهوم حکومت را از نظر نهج البلاغه و امیرالمؤمنین علیه‌السلام روشن می‌کند. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

قسمتی که مدیر جامعه آن را تشکیل می‌دهد مانند بقیه‌ی قسمتهاست. او هم مانند بقیه‌ی اجزا و عناصر تشکیل دهنده‌ی این مجموعه است، ولی امر متصدی این کار است. متصدی این کار هیچ‌گونه امتیازی را طلب و توقع نمی‌کند و عملاً هیچ‌گونه امتیازی از لحاظ وضع زندگی و برخورداریهای مادی و او تعلق نمی‌گیرد. اگر بتواند وظیفه‌ی خودش را خوب انجام دهد، به اندازه‌ی که این وظیفه و انجام دادن آن برای او جلب حیثیت معنوی کند، به همان اندازه حیثیت کسب می‌کند و نه بیش از آن این حاق مفهوم حکومت در نهج البلاغه است. بنابراین تعبیر، حکومت در نهج البلاغه هیچ نشانه و اشاره‌ی از سلطه‌گری و هیچ بهانه‌ای برای امتیازطلبی ندارد. از آن طرف، مردم به تعبیر نهج البلاغه رعیت اند. رعیت یعنی جمعی که رعایت و مراقبت و حفاظت و حراست آنان بر دوش ولی امر است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

وقتی در نهج البلاغه در جستجوی مفهوم حکومت هستیم، از طرفی می‌بینیم آن که در رأس حکومت است، والی و ولی امر و متصدی کارهای مردم و وظیفه دار و مکلف به تکلیف مهمی است. انسانی است که بیشترین بار و سنگین‌ترین مسؤولیت بر دوش اوست. اما در سوی دیگر، مردم قرار دارند که باید به همه‌ی ارزشها و آرمانهایشان و با همه‌ی عناصر متشکله‌ی شخصیتشان، مورد رعایت قرار بگیرند. این مفهوم حکومت است و این مفهوم، نه سلطه‌گری، نه زورمداری و نه افزون‌طلبی است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بخشهای مهمی از نهج البلاغه به حیطة‌ی حکومت اشاره می‌کند. شاید دهها جمله در نهج البلاغه می‌توان نشان داد که مفهوم حکومت را از نظر امام علی علیه‌السلام مشخص می‌کند.

از جمله در ابتدای فرمان مالک اشتر می‌خوانیم:

جبايه خراجها و جهاد عدوها، و استصلاح اهلهما، و عماره بلادها. -نهج البلاغه، نامه ۵۳. ?

این معنای حکومت است. اگر مالک اشتر به عنوان استاندار و والی و حاکم مصر معین می‌شود، برای آن نیست که بریای خود عنوان قدرتی کسب کند یا سود و بهره‌ی مادی برای خود جلب کند؛ بلکه برای آن است که این کارها را انجام دهد: برای اداره امور مالی کشور از آنها مالیات بگیرد، با دشمنان مردم مبارزه کند، آنها را در مقابل دشمنانشان مصونیت ببخشد، آنها را به صلاح نزدیک کند (صلاح با بعد وسیع مادی و معنوی که از نظر علی علیه‌السلام و در منطق نهج البلاغه مطرح است) و شهرها و حیطة‌ی حکومت

خود را آباد کند. یعنی به طور خلاصه انسانها را بسازد، سرزمین را آباد کند، اخلاق و ارزشهای معنوی را بالا ببرد، وظایف مردم و آنچه را که در جنب حکومت بر عهدهی آنهاست، استفاده کند. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. علاقه‌مندان جهت اطلاع بیشتر از بحث ((حکومت در نهج البلاغه)) می‌توانند به متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ ه.ق، به کتاب بازگشت به نهج البلاغه از انتشارات بنیاد نهج البلاغه مراجعه نمایند. ?

فصل یازدهم: وحدت در نهج البلاغه

حضرت امیر علیه‌السلام در خطبه‌های خود، عامل همه‌ی خوشیها و برخورداریه‌ها و عزت و شرف ملت‌های گذشته را دوری گزیدن از پراکندگی و جدایی و ملازم شدن با الفت و وحدت می‌داند و مردم را به یگانگی و حفظ وحدت و الفت تحریص می‌کند. حضرت امیر علیه‌السلام در خطبه‌های خود کینه‌ی دل‌ها نسبت به یکدیگر درگیری و بدخواهی افراد نسبت به هم، پشت کردن و عدم همکاری مردم را علت سقوط و انحطاط آنان ذکر می‌کند. -بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۶۸/۱/۱۴ ?

حضرت امیر علیه‌السلام در نهج البلاغه محور وحدت را رهبری جامعه می‌داند؛ یعنی امام و رهبر جامعه مرکز و محور وحدت است و حضرت امیر علیه‌السلام خطاب به مسلمانان زمان خود بر محور وحدت بودن رهبر و امام تأکید کرده است. با توجه به همین محور بود که مسلمانان در زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عزت و شرف رسیدند. در حالی که در زمان حکومت علی علیه‌السلام مردم با بی توجهی خود به رهبری یعنی بی توجهی به محور وحدت، دچار تفرقه شدند و دنیای اسلام از آن زمان به انحطاط کشیده شد و تا قرون متمادی نتوانست کمر راست کند. -بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۶۸/۱/۱۴ ?

امروز تفاهیم و وحدت‌طلبی یک وظیفه است و همیشه وظیفه من بوده است. یک بحث علمی و اعتقادی در نهج البلاغه این حقیقت را به ما نشان می‌دهد و ما نمی‌توانیم چشممان را روی هم بگذاریم و آنچه را که نهج البلاغه با صراحت می‌گوید، ندیده بگیریم. - بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

برای استحکام نظام و حرکت اجتماعی، وحدت و هماهنگی لازم و تفرقه زیان بخش است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه می‌فرمایند: در اقوام گذشته هر جا وحدت و اتفاق نظر و هماهنگی و همدلی بین مردم بود، عزت و بزرگواری و قدرت و شرف متعلق به آن اقوام و ملت‌ها بود و هر جا دل‌ها و راه‌ها از هم جدا شد و وحدت از سر مردم سایه برچید وضع زندگی مردم نابسامان شد و عزت آنها تبدیل به ذلت شد، پیشرفت آنها متوقف شد و دچار عقب نشینی و عقب گرد شدند. -خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۱/۲۵ /

روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۸/۱/۲۶. ?

یکی از مهمترین موضوعات در نهج البلاغه تقواست یعنی انسان مؤمن، پروای کار خود را داشته باشد، برحذر باشد، حواسش جمع باشد و مواظب و مراقب اعمال و حرکات و رفتار خود باشد. غفلت و شهوت، او را از راهی که به مقتضای ایمان انتخاب کرده است، منحرف نکند و خیال کند دارد در راه حرکت می‌کند؛ یک وقت چشم باز کند ببیند از راه منحرف شده است. -خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۷/۳/۲۰ / روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۷/۳/۲۱.؟

اگر تقوا در جامعه وجود نداشته باشد و مردم به تدریج مایه‌ی تقواشان رقیق شود و از بین برود، ادامه‌ی حیات اسلامی ممکن نیست. و اگر ما روح استغفار را در خودمان زنده کنیم، تا حدود زیادی جبران خواهد شد. طلب مغفرت کردن، در نهج البلاغه از قول امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده است که فرموده‌اند: خداوند متعال در زمین دو وسیله‌ی امان از عذاب برای مردم قرار داده بود و یکی از این دو امان از دست مردم رفت، مواظب آن دیگری باشید و او را از دست ندهید و به آن تمسک کنید. آن وسیله‌ی امنیت و امانی که تا بود، عذاب خدا بر مردم نازل نمی‌شد و از دست مردم رفت؛ وجود مقدس پیغمبر صلی الله علیه و آله بود و آنچه که باقی مانده استغفار است. -خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۷/۲/۲۳ / روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۷/۲/۲۴.؟

تقوا به معنای درست کلمه را مورد توجه قرار دهید؛ نه به معنای پرهیزکاری که یک تحریف است. من به جوانها توصیه می‌کنم نوشته‌ی مرحوم استاد شهید مطهری درباره تقوا که یکی از مجموعه‌های سخنرانیهای ایشان است و نیز کتاب بسیار خوب ((سیری در نهج البلاغه)) اثر آن مرحوم را بخوانند. معنای تقوا را در کلام امیرالمؤمنین درک کنید. -سیری در نهج البلاغه، ص ۲۰۰، بحث تقوا در نهج البلاغه.؟

تقوا به معنای درست، مصونیت یافتن از گناه است. و لباس التقوی ذلک خیر؛ آن تقوایی که لباس و پوشش برای انسان است و انسان را در مقابل آسیبها و بیماریهای معنوی و روحی واکسینه می‌کند.

زهد به معنی درست کلمه یعنی بی رغبت بودن در مقابل جلوه‌های مادی جهان و این زندگی. ورع و حلم و رفق و برادری و محبت و یک رشته اخلاقیات در کلام امیرالمؤمنین وجود دارد و فقط به این نمی‌پردازد که به انسانها یاد بدهد، یعنی مغزشان را درست کند؛ بلکه می‌خواهد آنها را از لحاظ روحی و قلبی نیز بسازد و تزکیه کند. پس اول تعلیم و دوم تزکیه است. -گفتاری درباره حکومت علوی، ص ۱۱.؟

ماجرای گذشته‌ی تاریخ بشریت، درس بزرگ انسانها در نسل ماست امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه، از درسهای تاریخ رهنمودهایی ارائه می‌دهند و می‌فرمایند: و ان عندکم الامثال)).

ای بندگان خدا نمونه‌های زنده‌ی از عذاب خدا و قدرت نهایی او و از ضربتهای کوبنده‌اش و داستانهای عبرت آموزی از حوادث و وقایع روزگار، پیش روی شماست. -خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۵۹/۲/۵ / روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۹/۲/۶. ?

حقیقت دیگری که وجود دارد و امروز ما را بیشتر از گذشته به نهج البلاغه مشتاق و محتاج می‌کند، این است که در طول تاریخ اسلام متأسفانه با انحرافی که از کج فهمی و جهالت از یک سو و غرض ورزی و دشمنی از سوی دیگر حاصل شده است، در آنچه که از معارف اسلامی در اختیار ماست سردرگمی‌هایی داشته‌ایم.

در طول تاریخ گذشته‌ی اسلام، نادانی و جهالت‌هایی وجود داشته، تنگ نظریها و خود خواهی‌هایی وجود داشته که موجب شده حقایق اسلامی و معارف اسلامی آنچنان که هستند و باید شناخته شوند، شناخته نشوند، و به علاوه غرض ورزیها و خیانتها و تعدد بر

انحراف از اسلام را هم، از اولین قرنهای پیدایش اسلام از قدرتمندان و کسانی که خلوص و صفای اسلام به زبان آنها بوده است، مشاهده می‌کنیم. ما در طول تاریخ همواره احتیاج داشته‌ایم به سرچشمه‌های خالص و زلال اندیشه‌ی اسلامی و نظامی فکری که

بتوان به آن متکی شد... نهج البلاغه این راه نزدیک را پیش پای ما می‌گذارد، نهج البلاغه ما را از این فاصله طولانی با صدر اسلام، به نزدیکترین پایگاهها و امنترین دیدگاهها نسبت به معارف اسلامی می‌رساند. -بیانات مقام رهبری در کنگره چهارم نهج

البلاغه، ۱۳۶۳. ?

فصل چهاردهم: کارهایی که درباره‌ی نهج البلاغه باید انجام شود

بسیاری از کارهای لازم در طول بیش از هزار سالی که از تدوین این کتاب شریف می‌گذرد، انجام گرفته است. شاید در کتابخانه‌ها نسخ خطی این آثار ارزشمند محفوظ باشد که باید جستجو و پیدا کرد. احتمال هم دارد که بعضی از آنها در طول زمان، در معرض

حوادث قرار گرفته و از بین رفته باشد. در هر حال این کارها باید انجام بگیرد. -بیانات مقام رهبری در کنگره نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?

یکی از کارهایی که این کنگره می‌تواند انجام دهد، این است که فهرست اساسیترین تحقیقاتی را که باید پیرامون نهج البلاغه انجام بگیرد؛ تهیه و تدوین کند و در اختیار اندیشمندان بگذارد شاید بتوان دهها کار لازم را شمرد که امروز نهج البلاغه به این کارها نیازمند است و باید به شیوه‌ی فردی یا جمعی انجام گیرد. باید اینها را تدوین کرد و در اختیار مردم گذاشت تا اندیشمندان و مؤلفان و صاحب نظران و کسانی که با نهج البلاغه مانوس هستند، بدانند چه کارهایی از اولویت و اهمیت برخوردار است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?

نهج البلاغه، ترجمه و شرح و تفسیر کامل ندارد. فصل بندی و باب بندی ندارد. به جز کتاب بسیار ارجمندی که استاد عالی قدر - آقای مصطفوی - به عنوان کاشف الفاظ نهج البلاغه تنظیم کرده‌اند، کاری در این حد و -استاد بزرگ و دانشمند عالی مقام حجه الاسلام دکتر حاج سید جواد مصطفوی در سال ۱۳۰۱ شمسی که در یک خانواده روحانی بدنیا آمد و بعد از یک عمر تلاش و کوشش در معارف اسلامی در سن ۶۷ سالگی در بیستم اردیبهشت ۱۳۶۸ در جوار حرم مطهر علی بن موسی الرضا علیه‌السلام به خاک سپرده شد، جهت آشنائی با زندگانی ایشان به کتاب ((فرزانه‌ای که با نهج البلاغه زیست)) به قلم: جمعی از نویسندگان مراجعه نمائید.

? در این مایه برای نهج البلاغه انجام نگرفته است. امروز ما باید به نهج البلاغه برگردیم. فضلا و اندیشمندان کار خود را بکنند؛ اما جوانها نباید منتظر اساتید، فضلا و پیشروان اندیشه و علم و ادب بمانند. نهج البلاغه را باید از ابعاد گوناگون مورد نظر قرار دهیم و برای این کار، جمعها و جلسه‌ها تشکیل دهیم. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰. ?

۲ - فصل بندی عنوانی نهج البلاغه

یکی دیگر از کارهایی که حتما در باب نهج البلاغه ضرورت دارد، فصل بندی عنوانی و موضوعی نهج البلاغه است. البته این کار انجام گرفته و بعضی از محققین و علمای بزرگ و عالی قدر زمان ما، این کار را روی نهج البلاغه کرده‌اند و مجلدات متعددی هم چاپ شده که به جای خود ارزشمند است؛ اما در زیر عناوین کلی - که فکر می‌کنم در حدود ۳۰ سال عنوان را تفکیک کرده‌اند - و به منظور تکمیل آن شاید دهها عنوان فرعی بتوان پیدا کرد. این کار در قرآن هم جایش خالی است و انجام نگرفته است. یک تفصیل الآیات برای قرآن باید نوشته شود شامل بیشترین موضوعاتی که ما تا امروز نتوانسته‌ایم به آنها برسیم و در قرآن از آن نشانی هست. و در باب نهج البلاغه نیز تنظیم یک تفصیل المطالب و تفصیل الموضوعات، فوق العاده ضروری است. نهج البلاغه واقعا یک اقیانوس عمیق و تمام نشدنی است؛ همه هم توفیق پیدا نمی‌کنند این کتاب را - آنچنان که شایسته‌ی آن است - سیر کنند و در آن غور کنند؛ در حالی که بسیاری از مطالب و معارف این کتاب، برای مردم لازم است و باید این امکان برای جویندگان و

علاقمندان پیدا شود که مطالب مورد نظرشان را در آن به آسانی بیابند. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳.؟

تربیت نفس، تهذیب و تزکیه‌ی انسان، سه فصل بزرگ و کلی و سه عنوان اصولی از نهج البلاغه است. البته فصل بندی نهج البلاغه کاری است که تاکنون انجام گرفته و کسانی این کار را کرده‌اند - نه به طور کامل - از جمله مرحوم مطهری در کتاب سیری در نهج البلاغه چنین کاری را کرده‌اند؛ البته ایشان نهج البلاغه را فصل بندی نکرده‌اند، بلکه موضوعاتی از نهج البلاغه را انتخاب کردند و همان طور که خودشان گفتند یک گشت و گذاری در نهج البلاغه کردند و این موضوعات را مطرح کرده‌اند و درباره‌ی هر کدام توضیحی نوشته‌اند و آنچه را که خودشان از نهج البلاغه یا از سایر منابع فکری اسلامی می‌فهمیدند، آن را با استناد به جملاتی از این کتاب ذکر کردند. بنابراین نوعی فصل بندی است و البته نه یک فصل بندی کامل. دیگران هم این کار را کرده‌اند و در فصل بندی خود هر یک از این سه بخش: عقاید، اخلاق و زندگی عملی و اجتماعی را توضیح داده‌اند. -درسهایی از نهج البلاغه، ص ۱۷.؟

نحوه‌ی برداشت از مفاهیم و فصول نهج البلاغه به این گونه است که اولاً ما سعی می‌کنیم که معنای هر کلمه را دقیقاً بفهمیم و در معنای کلمات اشتباه نکنیم. ثانیاً جمله بندی را بفهمیم. ثالثاً جو و فضای زندگی علی علیه‌السلام و فضای صدور این سخن را درست بشناسیم. -درسهایی از نهج البلاغه، ص ۲۵.؟

۳ - فصل بندی از لحاظ اعتبار سندی

یکی از کارهای دیگری که خوب است درباره‌ی نهج البلاغه انجام بگیرد، فصل بندی از لحاظ اعتبار سندی است. یقیناً بعضی از بخشهای نهج البلاغه در حد اعلا‌ی اعتبار و وثوق روایی قرار دارد، بعضی از بخشها هم در آن حد نیست. پیرامون اسناد نهج البلاغه تاکنون کارهایی انجام گرفته و کتابهایی در حدود دو یا سه تألیف و یا بیشتر چاپ شده است. شاید در میان گذشتگان هم این کار انجام گرفته باشد که بسیاری از آن بی‌اطلاعتند؛ اما لازم است یک طبقه بندی از لحاظ سند و اعتبار سندی انجام بگیرد؛ چنان که به هر یک از خطب یا کلمات یا نامه‌ها که انسان مراجعه می‌کند بداند از لحاظ سندی که این حدیث دارد، چه قدر مورد اعتبار است و چه قدر می‌توان به آن تکیه کرد. البته همه‌ی شواهد و قراین را می‌توان در این مورد به کار گرفت و این چیزی است که اگر برای عامه‌ی مردم هم مورد نیاز نباشد، برای محققان و اندیشمندان و کسانی که به این مسأله اهمیت می‌دهند، یقیناً حایز اهمیت است. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳.؟

اگر ما پیرامون نهج البلاغه کار و تحقیق کنیم و اگر آن مقدار از خطب امیرالمؤمنین علیه السلام که در نهج البلاغه نیست، جمع شود و روی اینها و درباره‌ی سند و خصوصیات که اعتبار آنها را مشخص و مسلم و قطعی می‌کند، کاری فنی انجام بدهیم و نهج البلاغه را به مجموعه‌ی نزدیک به پانصد خطبه که از آن حضرت نقل شده، برسانیم؛ خدمت بزرگی به معارف اسلامی در قرن پانزدهم هجری انجام داده‌ایم. می‌توانیم با گذشت این همه مدت از صدر اسلام، یک منبع غنی لایزالی که مورد قبول همه‌ی مؤمنین به اسلام است و می‌تواند باشد، در اختیار مسلمانها قرار دهیم. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?

۴ - ترجمه‌ی فارسی خوب از نهج البلاغه

من البته از آنچه انجام گرفته کم و بیش مطلعم و نمی‌خواهم به زحمات فراوانی که به خاطر برگرداندن نهج البلاغه به فارسی انجام گرفته، خدای ناخواسته به چشم بی‌قدری نگاه کنم.

در یک کنگره‌ی دیگر هم که سه سال پیش تشکیل شده بود و من توفیق یافتم و شرکت کردم، از عالم جلیل آقای ((فیض الاسلام)) که اولین بار این کتاب را به فارسی ترجمه کرد و در اختیار مردم قرار داد و صدای نهج البلاغه را برای اولین بار به گوش مردم رساند؛ تشکر کردم و باز هم تشکر می‌کنم. همچنین از چند نفر نویسندگان محترمی که از نهج البلاغه ترجمه‌های منتخب یا آزاد و به صورت بیان محتوا به دست داده‌اند، به سهم خود سپاسگزارم.

لیکن می‌خواهم عرض کنم جای یک ترجمه‌ی کامل و همه جانبه از نهج البلاغه و جای یک ترجمه‌ی کامل و روشن و رسا از قرآن در جامعه‌ی ما همچنان خالی است و به نظرم قصور و غفلتی که تاکنون شده است مایه‌ی سرشکستگی است. من خواهش می‌کنم ((بنیاد نهج البلاغه)) این مسأله را با فوریت و جدیت تعقیب کند، همچنانی که برای چندمین بار از همه‌ی کسانی که می‌توانند ترجمه‌ی خوبی از قرآن کریم به فارسی تهیه کنند و ارایه دهند خواهش می‌کنم این کار را بکنند. جمهوری اسلامی بعد از پنج سال به نظرم قدری دیر کرده است؛ باید این کار زودتر انجام می‌گرفت و هر چه می‌گذرد دیرتر می‌شود به نظر من اشکالی ندارد که چندین نفر شروع کنند به ترجمه‌ی این دو اثر مقدس و هر مقدار را که می‌توانند پیش ببرند؛ چون به هر حال هیچ ترجمه‌ی کامل نخواهد بود.

یعنی این طور نباشد که اگر کسانی شنیدند فلان نویسنده‌ی خوب و آشنا به زبان عربی، مشغول ترجمه‌ی نهج البلاغه یا قرآن شده است، از کار خود دست بکشند و کاری نکنند. هر کسی شوق این کار را در خود احساس می‌کند، شروع کند. اگر ده ترجمه‌ی بسیار خوب هم از قرآن کریم و نهج البلاغه‌ی شریف داشته باشیم، زیادی نیست، هیچ اشکالی ندارد که علایق و ذوقهای گوناگون و

دیدگاه‌های مختلف از یک آیه یا یک جمله بتوانند خواننده را قدری به ابعاد واقعی آن جمله نزدیکتر کنند. بنابراین به نظر من این کار امروز در اولویت قرار دارد. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?

۵ - ترجمه‌ی لغات نهج البلاغه

یکی از کارهای اساسی که باید در زمینه‌ی نهج البلاغه انجام بگیرد ترجمه‌ی لغات نهج البلاغه برای فارسی زبانها و حتی برای عرب زبانهاست. البته در پاورقی بعضی از نهج البلاغه‌ها، بزرگانی چون مرحوم ((محمد عبده)) و بعضی دیگر این کار را کرده‌اند، اما کافی نیست. این همه لغتی که در این کتاب با بارهای ادبی و مایه‌های هنری و فصاحت و بلاغت فوق العاده گسترده است، احتیاج به یک کار مستقلی - فزونتر از شرح سطحی آن - دارد. خلاصه آن که لازم است یک تفسیر اللغات کامل و عمیق برای نهج البلاغه تهیه شود. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?

۶ - پیوستن بخشهای متفرق از یک خطبه

یکی از کارهایی که از مدتها پیش همواره ضرورتش را احساس می‌کردم، پیوستن بخشهای متفرق یک خطبه است که احيانا آنها را ((سید رضی)) (رحمه الله علیه) از هم جدا کرده است. ملاحظه کرده‌اید در جاهایی بعد از آن که یک خطبه شروع می‌شود، گفته می‌شود ((و منها)) (= این از جمله بخشهای همان خطبه است). یقیناً بین اینها یک چیزی افتاده است و الا تعبیر ((و منها)) لازم نبود. در جاهای دیگر معلوم می‌شود این پایان خطبه نیست و مطلب نیمه کاره است. شاید بعضی از بخشها را در خود نهج البلاغه بتوان پیدا کرد و یقیناً بسیاری از آنها را در کتب متفرق حدیث می‌توان جستجو و پیدا کرد.

به هر حال گاهی انسان دو بخش از یک خطبه را می‌بیند که فوق العاده مهم است. اما میانشان فاصله افتاده است. باید صاحب همتانی بنشینند و این جا به جا شدگیها را پیگیری و بازیابی کنند تا سرانجام به قدر مقدور و ممکن، بخشهای پراکنده‌ی یک خطبه، از نو به هم اتصال پیدا کند. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?

بسیاری از خطبه‌های نهج البلاغه متأسفانه ناقص است یعنی یا از آغاز خطبه و یا از پایان خطبه یک بخش افتاده است؛ حتی گاهی سید رضی وسط یک خطبه در نهج البلاغه را انداخته و حذف کرده است. خطبه را نقل می‌کند بعد به یک جایی می‌رسد و قطع می‌کند، سپس زیرش می‌نویسد ((و منها)) یعنی از همان خطبه است و بعد یک تکه‌ی دیگر را نقل می‌کند؛ مثل کاری که امروز گاهی خبرنگارها و روزنامه نگارها می‌کنند و مثلاً می‌نویسند: ((وی در بخشی دیگر از سخنان خود چنین گفت)). این عمل را (((و منها))) خبرنگارها و روزنامه نگارها می‌کنند و مثلاً می‌نویسند: ((وی در بخشی دیگر از سخنان خود چنین گفت)). این عمل را (((و منها)))

می‌گویند. آن قسمتی که وسط این دو بخش از سخنان علی (ع) وجود داشته، چیست؟ ما نمی‌دانیم و این مشکلی در کار ما ایجاد می‌کند. چرا سید رضی این کار را کرده است؟ به خاطر این که نهج البلاغه - همچنان که از نامش پیداست - شیوه و راه بلاغت و فصاحت است و صرفاً به لحاظ هنری جمع‌آوری شده است. -درسهایی از نهج البلاغه، ص ۱۳. ?

مجموعه‌ی کارهای عملی و ضروری را که باید در زمینه‌ی نهج البلاغه انجام داد، فهرست بندی کنید تا مشخص شود چه کارهایی شایسته است انجام بگیرد. البته تردیدی نیست که این کار، عشقها و ایمانها، نبوغها و ابتکارها و رشته‌های جدیدی را به وجود خواهد آورد. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?

پایان سخن

در پایان سخن، اولاً تشکر می‌کنم از برادران عزیزمی که به احیای نهج البلاغه برخاسته‌اند و به پژوهشهای نهج البلاغه ابعاد علمی جدی بخشیده‌اند و به طرح و مداومت آن اهمیت داده‌اند و این کتاب مقدس و زندگی‌آموز و دوران ساز را از زیر غبارهای نسیان خارج کرده‌اند. ثانیاً تشکر می‌کنم از محققینی که درباره‌ی نهج البلاغه کوشیده‌اند و تفسیر و شرح نوشته‌اند و ترجمه کرده‌اند و لغت نامه ساخته‌اند و کوششهای ارجمند دیگر به کار برده‌اند. در عین حال خواهش می‌کنم که مسأله‌ی نهج البلاغه را از این هم جدی‌تر بگیرید. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره نهج البلاغه، ۱۳۶۴. ?

بار دیگر از همه‌ی برادران مسؤول و دست‌اندر کار، برای اهمیتی که به نهج البلاغه و تشکیل این کنگره داده‌اند، تشکر می‌کنم و امیدوارم بلندی همتشان بتواند منشأ این خدمت عظیم برای امت اسلام واقع شود که نهج البلاغه را هر چه بیشتر مورد استفاده و بهره‌برداری قرار دهد و این کار سرمشقی باشد برای همه‌ی مسلمانها که شاید هنوز بسیاری از آنها با نهج البلاغه هیچ گونه‌آشنایی ندارند. -بیانات مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج البلاغه، ۱۳۶۳. ?